

• علی اکبر ذاکری*

• سبک زندگی معصومان

چکیده: سبک زندگی، زوایای گوناگونی دارد، بخشی از آن کسب و کار و هزینه درآمد است. در این مقال بر آنیم که این دو مقوله را در سیره رفتاری معصومان(ع) بررسی کنیم. و از سبک زندگی آنان در چگونگی به دست آوردن درآمد و هزینه، آن، آگاهی یابیم و آن را بشناسیم و بشناسانیم. و روشن کنیم برترینهای عالم هستی، روزگار خود را به گوشه نشینی و عبادت سپری نمی کردند، بلکه کار را عبادت می دانستند و به آن می پرداختند.

از گزارشهای تاریخی استفاده می شود، معصومان در تولید ثروت پیشگام بوده اند.

درآمد آنان از راه کارگری، دامداری، کشاورزی، تجارت و گاه بیت المال بوده است. و آنان در هزینه درآمد خود، نه تنها خانواده، بلکه نیازهای نیازمندان را نیز برآورده می ساختند. حتی بخشی از دارایی خود را برای اصلاح بین شیعیان، بخشی را برای آزادی بردگان و بخشی را به وقف اختصاص می دادند.

کلیدواژگان: کار، کشاورزی، دامداری، تجارت، وقف، صدقه.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی.



درآمد

انسانها، در زندگی شخصی، تلاش می‌ورزند برجستگان و صالحان را اسوه^۱ زندگی خود قرار دهند. اسوه قرار دادن صالحان، مردان درست کردار و کسانی که در اوج تعالی اند، امری است جاری و رایج در زندگی بشر، البته گاه در گزینش اسوگان، راه خطا رفته و می‌روند؛ اما آن‌چه در نظرشان هدف بوده و هست، برابرسازی رفتار خود، با رفتار کسانی است که آنان را اسوه می‌انگارند.

از اسوه‌های راستین مسلمانان، رسول خدا(ص) و ائمه اطهار بوده‌اند که هر کس به درستی و از روی نیت ناب و بی‌غش، آنان را اسوه^۲ زندگانی و رفتار خود قرار داده است، در راه روشن‌بهریزی و سعادت قرار گرفته است.

معصومان، در رفتار و فراز و نشیبهای گوناگون زندگی، پاک‌ی و راستی خود را، با پیروی از روشهای ناب الهی و انسانی، نشان داده‌اند.

گام زدن در راهی که آنان برای زندگی خود برگزیده‌اند و اسوه قرار دادن آنان، در ترویج ارزشهای معنوی، بسیار اثرگذار است؛ از این روی خداوند، ابراهیم و پیروان آن حضرت^۱ و رسول خدا را اسوه معرفی کرده است^۲.

اسوه قرار دادن معصومان در زندگی، باید در همه عرصه‌ها و زوایا باشد. بر پیرو راستین است که به دقت به زندگی آنان بنگرد و سبکها و روشهای آنان را در عرصه‌های گوناگون، از جمله در چگونگی کسب درآمد و هزینه کردن، چراغ راه قرار دهد.

بخشی از سبک و روش آنان در معیشت، در سخنان آن بزرگواران، بازتاب یافته و بخش مهم دیگر، که مطالعه و تحقیق ما در این مقال در آن‌باره است، در سیره^۳ عملی جلوه‌گر شده است.



سیره‌های معیشتی معصومان در دو عرصه زیر، در خور درنگ و بررسی

است:

۱. به دست آوردن درآمد.

۲. هزینه درآمد.

بخش مهم و بنیادین سبک زندگی، به دست آوردن درآمد و هزینه کردن آن است. از این روی، رهبر معظم انقلاب اسلامی، به وجود آمدن تمدن نوین اسلامی را، با به حقیقت پیوستن این دو بخش می‌داند:

بخش ابزاری، که همانا پیشرفت علمی کشور باشد، مانند: علم، اختراع، صنعت و... و بخش حقیقی که متن زندگی را در بر می‌گیرد که همان سبک زندگی است:

«سبک زندگی... بخش حقیقی و اصلی تمدن است، مثل مسأله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف... مسأله کسب و کار، رفتار در محل کار.»^۳

با همین نگاه که به سبک زندگی، بخش حقیقی و اصلی تمدن است، سبک زندگی معصومان در دوره ۲۵۰ ساله، در پی ریزی بنیادهای این بخش مهم می‌تواند بسیار نقش آفرین باشد. از آن جا که سیری در همه زوایا و سبک زندگی آن بزرگواران در مقالی کوتاه، ممکن نیست، در این فرصت به گوشه‌ای از راه‌های به دست آوردن درآمد و هزینه کردن آن می‌پردازیم.

راه‌های به دست آوردن درآمد

با دقت روی سیره معیشتی معصومان، به روشنی درمی‌یابیم که حرکت آنان در راه به دست آوردن درآمد بر مدار کار بوده و دوری و پرهیز از هر گونه سستی و تنبلی و زهد منفی و آسیب زننده به کار و بهره‌گیری از دسترنج.



آنان، پی گیرانه، با اندرز و راهنمایی، دیگران را از سستی و تنبلی و کلّ بر جامعه بودن، باز می داشته اند.

رسول خدا، انسانهای تنبل و کلّ بر جامعه را ملعون و نفرین شده می داند:

«ملعونٌ من ألقى كُله على الناس ٤.»

هر کس بار خویش به دوش مردم افکند، ملعون است.

آن حضرت، افراد را از مفت خوری و بهره بردن از درآمد دیگران نهی می فرمود و از دریافت صدقه بازمی داشت:

«إن الصدقة لا تحلُّ لمتحرِّفٍ ولا لذی مرّه سوی قوی فتزّهوا عنها. ٥»

صدقه بر پیشه‌ور و کسی که بنیه سالم و قوی دارد، حلال نیست، پس، از گرفتن آن پرهیزید.

آن گرامی، به افراد، یاران و پیرامونیان سفارش می فرمود، دست به سوی دیگران دراز نکردن و از دیگران صدقه نگرفتن برای اداره زندگی و رفع نیازها، برای شما بهتر است از این که روز قیامت، در حالی محشور شوید که لکه‌های صدقه بر چهره‌تان دیده شود.

در همین باره خطاب به فردی می فرماید:

«هذا خیرٌ ان تجيء يوم القيامة وفي وجهك كدوح الصدقة ٦.»

این برای تو نیکوتر از آن است که روز قیامت، در حالی وارد محشر شوی که به صورتات لکه‌های صدقه دیده شود.

در آن دوران، کارها و راه‌های کسب درآمد محدود بوده است. کارهای صنعتی، مانند آهنگری، و... ویژه اقلیتهای مذهبی بوده^۷ و شغل‌هایی که رایج بود و مسلمانان می توانستند عهده دار آنها باشند، مانند: کارگری، کشاورزی، تجارت و... مسلمانان پی گیرانه، به آنها می پرداختند.



کارها و شغل‌هایی که در سیره معصومان دیده می‌شود، از این قرار است:

۱. کار و کارگری

معصومان، بسیار مؤمنان را به کار سفارش می‌فرمودند و از آنان می‌خواستند، زندگی را با کار سامان دهند و از بیکاری پرهیزند. افزون بر این در کارنامه امام علی (ع) کار برای دیگران نیز دیده می‌شود. پیش از این که به نمونه‌های روشن از گفتار و رفتار معصومان در این باره اشاره کنیم، بایسته است به دو نکته مهم درباره اوضاع اقتصادی و سیاسی مسلمانان صدر اسلام اشاره‌ای داشته باشیم:

یک. مسلمانانی که از مکه به مدینه مهاجرت می‌کردند، مکیان، به آنان اجازه نمی‌دادند اموالشان را با خود ببرند. از این روی مسلمانان مهاجر، از نظر مالی و معیشتی، به سختی زندگی می‌کردند. با این که مردم مدینه، انصار، به آنان کمک می‌کردند؛ اما یاری رساندن آنان، تمام نیازهای مهاجران را برآورده نمی‌ساخت. این سختی، تا سال هفتم هجری ادامه داشت. گاه رسول خدا، از گرسنگی، سنگ به شکم خود می‌بست.^۸

دو. رسول خدا، با قبیله‌های مختلف مدینه و یهودیان آن شهر، پیمان‌نامه‌ای امضا کرد که در حقیقت قانون اساسی حکومت نبوی است.^۹

یهودیان مدینه و مسلمانان، در سایه حکومت نبوی، به گونه مسالمت‌آمیز زندگی می‌کردند، از یکدیگر قرض می‌گرفتند برای یکدیگر کار می‌کردند و ...

نبرد بنی‌نضیر، هنگامی رخ داد که رسول خدا (ص) برای دریافت قرض از یهودیان، جهت پرداخت دیه چند نفر، نزد یهودیان رفته بود و یهودیان، در صدد کشتن آن حضرت برآمدند.^{۱۰}



الف . اهتمام رسول خدا به کار و کارگری : رسول خدا در صدد ایجاد فرهنگ و تمدنی جدید در جامعه بود، فرهنگی که در پرتو آن بتواند ملتی را از بدبختی و گرسنگی نجات دهد. و این فرهنگ، فرهنگ کار و تلاش و دوری گزینی از سستی و تنبلی بود که رسول خدا، به شدت در پی گستراندن و نفوذ دادن آن به بدنه جامعه بود.

بیکاری و ارتزاق از کار و دسترنج دیگران با هدفی که رسول خدا در پی به حقیقت پیوستن آن بود، بسیار زاویه داشت و به آن آسیب می زد؛ از این روی، مسلمانان را به کار و امی داشت و بر آن اصرار می ورزید:

به فرموده امام صادق(ع) شخصی از اصحاب رسول خدا که در تنگنای شدید مالی بود، با پافشاری همسرش، نزد رسول خدا رفت تا از ایشان درخواست کمک کند. همین که این شخص را رسول خدا دید، با این که هنوز چیزی بر زبان نیاورده بود، بدون این که آن حضرت وی را مورد خطاب قرار دهد، فرمود:

«من سألنا أعطیناهُ و من استغنی أغناهُ الله .

فقال الرجل : ما یعنی غیری فرجع الی امرأته فأعلمها .

فقالت : إن رسول الله بشر فأعلمه .

فأتاه . فلما رآه رسول الله(ص) قال : من سألنا أعطیناهُ و من استغنی

اغناهُ الله .

حتى فعل الرجل ذلك ثلاثاً ثم ذهب الرجل فاستعار معولاً ثم أتى الجبل ، فصعدهُ ففقطعَ حطباً ثم جاء به فباعهُ بنصف مدٍّ من دقيقٍ فرجع به فأكلهُ . ثم ذهب من الغد ، فجاء باكثرَ من ذلك فباعهُ فلم يزل يعملُ و يجمعُ حتى اشترى معولاً ثم جمعَ حتى اشترى بكرين و غلاماً ثم أثرى حتى أيسرَ فجاء الی النبی(ص) فأعلمهُ



كَيْفَ جَاءَ يَسْأَلُهُ وَ كَيْفَ سَمِعَ النَّبِيَّ (ص).

فقال النبي: قلت لك: من سألتنا أعطيناها و من استغنى اغناه الله^{۱۱}. «

هر که از ما سؤال کند به او عطا کنیم و هر که بی نیازی جوید، خدا بی نیازش کند.

مرد با خود گفت: مقصود رسول خدا، جز من نیست.

به نزد همسرش آمد و به وی خبر داد.

همسرش گفت: رسول خدا هم بشر است [و از حال ما خبر ندارد] او را آگاه ساز.

مرد خدمت رسول خدا آمد. حضرت چون او را دید فرمود: هر که از ما سؤال کند، به او عطا می کنیم و هر که بی نیازی جوید، خدا، بی نیازش کند.

تا سه بار آن مرد چنین کرد.

پس برفت و کلنگی را عاریه گرفت و به سوی کوهستان شد و بالای کوه رفت و قدری هیزم برید و بیاورد و به نیم چارک آرد فروخت و آن را به خانه برد و بخورد. فردا هم رفت و هیزم بیش تر آورد و فروخت و همواره کار می کرد و می اندوخت، تا خودش کلنگی خرید، باز اندوخته کرد، تا دو شتر و غلامی خرید و ثروت مند و بی نیاز شد. آن گاه خدمت رسول خدا آمد و گزارش داد که چگونه آمد و چه از رسول خدا شنید.

رسول خدا فرمود: به تو گفتم: هر که از ما سؤال کند، به او عطا می کنیم و هر که بی نیازی جوید، خدا بی نیازش کند.

رسول خدا روی کار کسانی دقت داشت، از کارشان می پرسید. اگر کسی

پیشه و حرفه ای نداشت ناراحت می شد و از بی پیشگی و بیکاری پرهیز می داد



و آن را آسیب زنده به دین می دانست .

ابن عباس می گوید :

«قال رسول الله (ص) اذا نظر الى الرجل فأعجبه قال : هل له حرفة

فان قالوا : لا .

قال : سقط من عيني

قيل : وكيف ذاك يا رسول الله؟

قال : لان المؤمن اذا لم يكن له حرقه يعيش بدينه ١٢ . »

هر گاه رسول خدا (ص) به کسی نگاه می کرد و از او خوشش

می آمد ، می پرسید : آیا حرفه ای هم دارد؟

اگر می گفتند : خیر .

می فرمود : از چشم من افتاد .

پرسیده شد : چگونه است این ، یا رسول خدا؟

فرمود : اگر مؤمن حرفه ای نداشته باشد ، با دین اش زندگی را

می گذراند .

همین ارزش دادن به کار و کارگری است که آن بزرگوار ، دست سعد

انصاری را که از کار ، زبر و خشن شده بود ، بوسید :

«أن رسول الله ، صلى الله عليه و سلم ، لَمَّا أَقْبَلَ مِنْ غَزْوَةِ تَبُوكَ

اسْتَقْبَلَهُ سَعْدُ الْأَنْصَارِيِّ فَصَافَحَهُ النَّبِيُّ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ ،

ثُمَّ قَالَ لَهُ : مَا هَذَا الَّذِي أَكْبَتَ (أَخْشَنَ) يَدَيْكَ؟

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَضْرِبَ بِالْمِرِّ وَالْمَسْحَاةِ فَأَنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِي .

فَقَبَّلَ يَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ قَالَ : هَذِهِ يَدٌ لَا تَمَسُّهَا النَّارُ . ١٣ »

رسول خدا ، چون از غزوه تبوک برگشت ، سعد انصاری ، به

پیشواز آن حضرت رفت . پیامبر ، دست در دست وی نهاد .



آن گاه از سعد پرسید:

چه چیزی دستان تو را این سان خشن ساخته است؟
گفت: ای رسول خدا، من با ریسمان و بیلچه کار می کنم و
مخارج خانواده ام را می پردازم.
پیامبر دست سعد را بوسید و گفت: این دستهاست که آتش
دوزخ به آن نمی رسد.

ب. علی (ع) و کار: آن چه از سیره و زندگانی معصومان نشر یافته و بر
زبانها جاری است، زهد و ساده زیستی و عبادت است. در حالی که آن
بزرگواران، در عرصه های دیگر نیز پیشتاز و اسوه بوده اند. در کنار اهتمام
شدید به زهد و ساده زیستی و عبادت، تلاشها و برنامه ریزیهای اجتماعی و
سیاسی، بیان احکام و ترسیم دقیق خطوط کلی و راهبردی اسلام و سیره و
سنت نبوی، توجه ویژه به تولید ثروت داشته اند. آنان برای برآورده ساختن
هزینه های زندگی و باز بودن دست شان برای کمک رسانی به نیازمندان و...
سخت تلاش می کردند و خود را به رنج می افکندند.
امام علی (ع) در این میدان، سرآمد بود و برای برآوردن هزینه زندگی اش
کار می کرد. حضرت خود می فرماید:

«جُعْتُ يَوْمًا بِالْمَدِينَةِ جَوْعًا شَدِيدًا، فَخَرَجْتُ اطْلُبُ الْعَمَلَ فِي عَوَالِي
الْمَدِينَةِ فَإِذَا أَنَا بِأَمْرَأَةٍ قَدْ جَمَعَتْ مَدْرًا، فَظَنَنْتُهَا تَرِيدُ بَلَّةً فَأَتَيْتُهَا فَقَطَاعَتْهَا
عَلَيْهِ: كُلِّ ذَنْوِبٍ عَلَى تَمْرَةٍ، فَمَدَدْتُ سِتَّةَ عَشَرَ ذَنْوِبًا حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَايَ ثُمَّ
أَتَيْتُ الْمَاءَ، فَأَصَبْتُ مِنْهُ، ثُمَّ أَتَيْتُهَا فَقُلْتُ: بِكْفَى هَذَا، بَيْنَ يَدَيْهَا - وَبَسَطَ
الرَّوَايَ كَفَّيْهِ وَجَمَعَهَا - فَعَدَّتْ لِي سِتَّةَ عَشْرَةَ تَمْرَةً، فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ (ص)
فَأَخْبَرْتَهُ، فَأَكَلَ مَعِيَ مِنْهَا»^{۱۴}

روزی، گرسنگی چنان بر من چیره شد که برای کار، به



محلّه‌های بالای مدینه بیرون رفتیم. زنی را دیدیم که قدری کلوخ جمع کرده و بنا دارد آنها را خیس کند. با او قرارداد بستیم که در برابر هر دلو آب، که از چاه بکشیم، یک دانه خرما بدهد. شانزده دلو کشیدیم، تا این که دستانم، تاول زد. پس به لب آب رفتیم و دستم را شستم، آن گاه به نزد آن زن رفتیم و دستم را جلو بردم. زن به من شانزده دانه خرما داد. نزد پیامبر (ص) آمدم، جریان را به ایشان گفتم. پیامبر با من از آن خرما خورد.

کار علی (ع) برای دیگران، افزون بر کارهایی بود که برای منزل انجام می داد، مانند جمع آوری هیزم، آوردن آب و...

امام صادق (ع) می فرماید:

«کان امیر المؤمنین، صلوات الله علیه، یحتطبُ و یستقی و یکنسُ و کانت

فاطمه، سلام الله علیها، تطحنُ و تعجنُ و تخبزُ»^{۱۵}.

امیر المؤمنین (ع) از کارهای منزل، آوردن هیزم و آب، و نظافت را بر عهده داشت و حضرت زهرا (س) آسیا کردن گندم و خمیر کردن آرد و پختن نان را.

علی (ع) در آغاز تشکیل خانواده، تا مدتها به سختی زندگی را می گذراند. داستان ایثار خانواده مولی و کمک خانوادگی، به اسیر، مسکین و یتیم، که در سوره انسان، آیات ۸-۱۰، بازتاب یافته، بیان گر قناعت این خانواده بزرگ و فقر جامعه اسلامی است.

جالب است که بدانیم برای تهیه همین غذا، که آن سان ایثارگرانه این خانواده به مسکین می دهد، حضرت سه من جو از مرد یهودی گرفت که در ازای آن حضرت زهرا (س) برای مرد یهودی، نخ بریسد.^{۱۶}

از سفارشهای رسول خدا (ص) به زنان، غزل و ریسندگی بود، تا از این



راه در برآوردن درآمد برای هزینه‌های زندگی، شریک باشند^{۱۷}. فاطمه زهرا(س) به این سفارش جامه‌ عمل پوشاند و در کنار همسر بزرگوارش، افزون بر کارهای خانه، آسیاب کردن گندم، پخت نان، تهیه غذا، اداره فرزندان و... نخ می‌ریسید، تا از مزد آن، بخشی از هزینه‌های زندگی را برآورده سازد. بله، زندگی امام علی و فاطمه زهرا، بر کار و تلاش و بهره‌گیری از دسترنج خود سامان یافته بود. علی(ع) برای اداره زندگی شبانه روز، تلاش می‌کرد. آبیاری نخلستان دیگری در شب و در برابر آن دریافت مقداری جو. و در منزل هم، فاطمه زهرا(س) آن را آسیاب می‌کرد و نان می‌پخت^{۱۸} که آن را هم خود، به تنهایی استفاده نمی‌کردند، بلکه دیگران را نیز از آن بهره‌مند می‌ساختند، ایثار به معنای واقعی کلمه.

و نیز نقل شده است: علی مقداری جو، از مرد یهودی گرفت^{۱۹} و برای تضمین پرداخت بهای آن، روپوش فاطمه زهرا را، گرو گذاشت^{۲۰}، تا کار کند و بهای جو را به یهودی بدهد و روپوش فاطمه زهرا را از او بگیرد. در مدینه، شرایط بسیار سخت بود. حال و روز اصحاب رسول خدا، بویژه مهاجران، از نظر معیشتی، خوب نبود و در تنگنا به سر می‌بردند. حتی رسول خدا از این وضع استثنا نبود. در خبری، وارد شده که فاطمه زهرا، مقداری نان برای رسول خدا برد، پیامبر به دخترش گفت: اکنون، سه روز است که گرسنه‌ام^{۲۱}.

علی(ع) کار را عار نمی‌دانست، بلکه آن‌چه در نگاه حضرت، عار بود و ننگ، تنبلی و کسلی و دست‌نیاز دراز کردن به سوی دیگران بود. او حتی برای مرد یهودی، به کارگری پرداخت.

در تاریخ و سیره آن حضرت آمده است:

«ان علیاً(ع) آجر نفسه من یهودی لیستقی الماء کلّ دلو بتمرّة و



جمع التَّمَرَاتِ وَ حَمَلَهُ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَأَكَلَ مِنْهُ ۲۲»
 علی، خود را به اجارهٔ مرد یهودی درآورده بود، تا آب از چاه
 بکشد، در برابر هر دلوی، یک دانه خرما، پس از به پایان
 رساندن کار، خرما را گرد آورد، به نزد پیامبر خدا برد و آن
 حضرت از آنها خورد.

این مطلب در کتابهای روایی اهل سنت، نقل شده است و فقیهان آنان، آن
 را دلیل بر بی اشکال بودن کار برای یهودی و غیر مسلمان دانسته اند ۲۳.
 ج. کار برای بی نیازی از دیگران: کار، بی نیازی از دیگران و عزت انسان را
 رقم می زند. کار، زمینه را برای رهایی از دلمردگی، نوکری، چاپلوسی و...
 فراهم می سازد. کار، برای به دست آوردن روزی حلال، به انسان نشاط و
 توان می بخشد.

معصومان، برای بی نیاز شدن از دیگران، رهایی از آسیبهای فراوان
 بی کاری و بی پیشه‌ای، و برآوردن نیازهای زندگی از راه حلال، کار را
 سرلوحه زندگی خود قرار داده بودند و دیگران را نیز به این رمز عزت فرا
 می خواندند و برمی انگیختند.

راوی می گوید: در یکی از روزهای بسیار گرم، امام صادق (ع) را دیدم که
 از مدینه خارج شده و در پی انجام کار است. عرض کردم: فرزند رسول خدا!
 در چنین هوای گرمی، به دنبال کار هستید و خود را به سختی می اندازید؟
 امام فرمود:

«یا عبدالاعلی خرجتُ فی طلب الرِّزْقِ لأستغنی عن مثلک . ۲۴»

ای عبدالاعلی، برای طلب روزی خارج شدم که از کسانی مانند
 تو بی نیاز شوم.

عزت مند زندگی کردن، تنها در پرتو کار ممکن می گردد. کار راه را برای



درخواستهای حقارت آمیز می بندد. با کدیمین، نیازها را برآوردن، انسان را از انجام کارهای به دور از شأن انسانی، دور و دورتر می سازد.

این گونه کار را امام صادق (ع)، تلاش برای آخرت می داند:

«لیس هذا طلب الدنیا هذا طلب الآخرة. ۲۵»

این، تلاش برای دنیا نیست، بلکه تلاش برای آخرت است.

۲. دامداری

دامداری و دامپروری، از پیشه های مهم برای به دست آوری درآمد و تولید ثروت است. در اسلام بخشی از زکات، که بسیار در پدید آوردن اقتصاد سالم، رفع نیازها، ساخت ابنیه های سودمند به حال عموم مردم و... کارساز است و نقش آفرین، از راه دامداری برآورده می شود.

از اهتمام، توجه و علاقه و پی گیری این پیشه پر برکت، در سیره رسولان الهی و ائمه اطهار و اولیا، نمونه های بسیار وجود دارد و در تاریخ زندگی آن بزرگواران بازتاب یافته است.

الف. پیامبران الهی و دامداری: در قرآن، در سرگذشت حضرت موسی (ع)

آمده است:

«قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هاتين على أن تأجرني ثمانی

حجج... ۲۶»

گفت: من می خواهم از این دو دخترم، یکی را به ازدواج تو

درآورم، بر این پیمان که هشت سالی مزدوری ام کنی.

رسول خدا (ص) می فرماید:

«ما بعث الله نبياً إلا راعى غنم ۲۷»

خداوند، هیچ پیامبری را نفرستاد، مگر این که وی شبانی کرده است.



و نیز فرمود:

«بُعِثَ مُوسَى وَ هُوَ رَاعِي غَنَمٍ وَ بُعِثَ دَاوُدُ وَ هُوَ رَاعِي غَنَمٍ وَ بَعِثْتُ أَنَا
أُرْعَى غَنَمَ أَهْلِی ۲۸ .»

موسی برانگیخته شد، در حالی که گوسفند می چرانید و داوود
نیز برانگیخته شد، در حالی که شبان بود. من نیز از سوی خدا
فرستاده شدم، در حالی که گوسفندان خاندانم را می چرانیدم.

و نیز امام باقر(ع) نقل می فرماید:

« قال النبی (ص) اِنِّی کُنْتُ اُنْظَرُ اِلَى الْاِبْلِی وَ الْغَنَمِ وَ اَنَا اُرْعَاهَا وَ لَیْسَ مِنْ
نَبِیِّ اَلَا وَ قَدْ رَعِی الْغَنَمَ وَ کُنْتُ اُنْظَرُ اِلَیْهَا قَبْلَ النَّبِیَّةِ ۲۹ .»

رسول خدا می فرمود: من به شتر و گوسفند می نگریستم و
درباره آنها فکر می کردم و آنها را می چرانیدم و هیچ پیامبری
نیست مگر این که شبان بوده و من پیش از نبوت به شتر و غنم
می نگریستم و درباره آنها فکر می کردم.

امام رضا(ع) درباره ویژگیهای رسول خدا(ص) می فرماید:

«اِنَّهٗ كَانَ یَتِیْمًا فَقِیْرًا رَاعِیًا اَجِیْرًا ۳۰ .»

رسول خدا، یتیم بود، فقیر، شبان و کارگر.

بخشی از درآمد رسول خدا، از راه دامداری بوده است. در منابع تاریخی
از شخصی به نام ابوسالم یاد می شود که برای رسول خدا شبانی می کرده
است. ۳۱

ب. دامداری معصومان: معصومان به دامداری و دامپروری، اهمیت ویژه
می داده اند.

در روایاتی که از رسول خدا، به دست ما رسیده است، آن حضرت
گوسفند را برکت دانسته و مردم را به نگهداری از آن تشویق فرموده است.



«لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعِيشَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْحَرْثِ وَالْغَنَمِ ۚ ۳۲ .»
 هنگامی که خداوند وسائل معیشت را آفرید، برکت را در کشت و
 گوسفند نهاد.

و فرمود:

«اتَّخِذُوا الْغَنَمَ فَإِنَّ فِيهَا بَرَكَاتٌ ۚ ۳۳ .»
 گوسفندداری کنید که برکت در آن نهاده شده است.

و فرمود:

«ان الله عزّ وجلّ أنزل ثلاث بركات: الماء والنّار والشّاة ۚ ۳۴ .»
 خداوند، سه برکت بر بندگان اش فرو فرستاد: آب و آتش و
 گوسفند.

حضرت، افزون بر تشویق مسلمانان به گوسفندداری و دامپروری، خود
 نیز، گوسفند و شتر نگهداری می کرد و از آنها بهره می جست:
 ابوسعید خدری می گوید:

«كان رسول الله (ص) يعلف الناضحَ و يعقل البعيرَ و يقيم البيتَ و
 يحلبُ الشاة... ۳۵ .»

رسول خدا شتر را علف می داد و پای آن را می بست و خانه را
 جاروب می کرد و گوسفند را می دوشید...

امیرالمؤمنین، علی (ع) با برکت دانستن گوسفند، از کسانی که در منزل
 گوسفند نداشتند، می پرسد: چرا در خانه شما برکت نیست. از جمله در زمان
 ورود به منزل خواهرش، ام هانی، وقتی می بیند در منزل ایشان گوسفند
 نیست، می پرسد: چرا برکت ندارید. ۳۶

در خبری صحیح آمده است: علی (ع) در سفری که در دوران عثمان، به حج
 داشته است، همراه خود شترانی را برده و خود به تیمار آنها می پرداخته است. ۳۷



حضرت در منزل، شتر داشته است که علوفه آن حیوان را روی پوستینی می ریخته که تنها فرش خانه بوده است:

«ما كان لنا إلَّا إهابٌ كبشٍ أُبيتُ مع فاطمة بالليل و يُعلفُ عليها النَّاضِح . ٣٨»

در منزل چیزی نداشتیم، جز پوستینی که شبها با فاطمه روی آن می خوابیدیم و روزها روی آن علوفه شتر را می ریختیم .
در خبری آمده که راوی می گوید:

«كنت قاعداً فمرَّ أبو الحسن موسى (ع) و معه بهمه ٣٩»

نشسته بودم موسی بن جعفر [که کودکی بود] از جلوی من گذر کرد، و بره ای با او بود .

از این خبر استفاده می شود که امام صادق (ع) در منزل گوسفند داشته و از این برکت برخوردار بوده است .

اسحاق بن جلاب، در خبری بیان می کند:

«اشتریت لأبي الحسن (ع) غنماً كثيرة . فدعاني فادخلني من اصطبل داره الى موضع واسع لأعرفه . فجعلت أفرق تلك الغنم فيمن أمرني به . فبعث إلي أبي جعفر و الي والدته و غيرهما ممن أمرني ٤٠ .»

برای امام هادی (ع) گوسفندان بسیاری خریدم . سپس مرا خواست و از اصطبل منزل اش، به جای گسترده ای برد که من آن جا را نمی شناختم و در آن جا، دستور داد گوسفندانی را جدا سازم . آن گاه دستور داد آنها برای پسرش ابو جعفر و مادر او، و دیگران، فرستاده شود .

اینها نمونه های اندکی بود که ارائه شد . همین نمونه ها، می سزد که الگو



قرار بگیرد و جامعه اسلامی و فردا فرد باورمندان به راه و روش معصومان، از این نعمت بزرگ خداوندی و به تعبیر معصومان «برکت» استفاده کنند، تا در پرتو این برکت، به اقتصاد و معیشت مردمان در فراز و فرودها، آسیبی وارد نیاید.

کشاورزی

کشاورزی، در عصر نخست و پس از آن، از ستون فقرات اقتصاد عمومی بود. از این روی قرآن کریم، از کسانی که در نابودی «کشت» می‌کوشند، در ردیف تبه کاران نام می‌برد:

«وَاِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْاَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ . ۴۱»

چون باز می‌گردد، می‌کوشد تا در زمین، به تبه‌کاری پردازد و کشت را نابود کند.

رسول خدا، از سوی خدا، مأموریت می‌یابد که برای سامان‌دهی معیشت مردم و آبادانی سرزمین اسلامی، مسلمانان را به کشت و زرع، تشویق کند. بر این اساس، رسول خدا تلاش می‌ورزد، مردم را به این کار مهم برانگیزاند و اهمیت درختکاری و زراعت را بنمایاند و روشن سازد. از جمله گفتارهای آن حضرت، در باب اهمیت درختکاری و زراعت، این فراز رخشان و زیباست:

«مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ انْصَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ . ۴۲»

هیچ مسلمانی نیست که درختی در زمین بنشاند، یا زراعتی را کشت کند و انسان، یا پرنده، یا چرندنه‌ای از آن بخورد، مگر این که برای او صدقه‌ای محسوب شود.

رسول خدا، پس از آن که به مدینه وارد شد، روزی خطاب به مردمان آن

سرزمین فرمود:



«انکم بأقل الارض مطراً فأحرقوا فأَنْ الحَرث مبارک ۴۳ .»

در سرزمین شما، کم تر باران می بارد، با وجود این، کشت کنید که کاری پربرکت است.

این سفارشهای دقیق و راه گشا، که به حقیقت پیوستن آنها، به طور طبیعی بر ثروت عمومی می افزود، به طور جدی از سوی ائمه اطهار، یکی پس از دیگری، به کار بسته شده و پی گیرانه، دنبال گردیده است. آن بزرگواران، از این راه برنامه معیشتی خود را سامان می داده و به ثروت عمومی و بر دامنه تولید می افزوده اند، بویژه با وقف بخش مهمی از دسترنج خود، در راه افزایش ثروت عمومی و تولید داخلی و کاستن از بار مالی جامعه و حکومت و کم کردن شمار بینوایان و تهی دستان، گامهای بلند، ثمربخش و استواری برمی داشته اند.

امیرالمؤمنین، علی(ع):

امام، در دورانی که از صحنه سیاسی به دور بود، به آباد کردن زمین، پدید آوردن چشمه، در منطقه «ینبع» از نواحی مدینه پرداخت. زمینهای بسیاری را آباد کرد و نخلستانهایی را پدید آورد.

نمونه های بسیاری از کار و آبادگریهای علی(ع) وجود دارد که به پاره ای از آنها از زبان فرزندان معصوم آن حضرت و دیگران اشاره می کنیم، تا برای همگان، بویژه مولی دوستان و پیروان راستین آن امام همام، درس آموز باشد و نقشه راه در سامان دهی به سبک زندگی اسلامی و وحیانی:

- امام صادق(ع) فرمود:

«کان امیرالمؤمنین(ع) یضرب بالمرّ و یستخرج الارضین و أنّه أعتق الف

مملوک من کدّیده . ۴۴»

امیرالمؤمنین، علی(ع) بیل می زد، زمینها را آباد می کرد و آن حضرت از درآمد دسترنج خود، هزار برده خرید و آزاد کرد.



- در خبری آمده است :

«... و قال له رجل و رأى عنده و سقى نوى ما هذا يا أبا الحسن؟
قال مائة ألف نخل ان شاء الله فغرسه فلم يغادر منه نواة واحدة فهو من
اوقافه... ۴۵»

مردی، وقتی نزد حضرت، یک بار شتر هسته خرما دید، گفت:
ای ابوالحسن، اینها چیست؟

امام فرمود: صد هزار نخل خرما، اگر خدا بخواهد.
حضرت آنها را کاشت و همه آنها، بدون استثنا، سبز شدند و در
ردیف اوقاف آن حضرت قرار گرفتند.

- امام جعفر صادق (ع) می فرماید:

«قَسَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْفَيْءَ فَاصَابَ عَلِيًّا أَرْضًا فَاحْتَفَرَ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ
مِنْهَا مَاءٌ يَنْبُعُ فِي السَّمَاءِ كَهَيْئَةِ عُنُقِ الْبَعِيرِ فَجَاءَ إِلَيْهِ بِذَلِكَ الْبَشِيرُ فَقَالَ بَشِيرٌ
الْوَارِثُ، هِيَ صَدَقَةٌ بَتًّا بَتْلًا فِي حَجَّيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِي سَبِيلِهِ لِأُتْبَاعٍ وَ
لِأَتْوَهَبٍ وَ لِاتُورَثُ فَمَنْ بَاعَهَا، أَوْ وَهَبَهَا فَعَلِيهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ
أَجْمَعِينَ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا وَ سَمَّاها يَنْبُعُ ۴۶.»

رسول خدا (ص) غنائم را تقسیم کرد، قطعه زمینی به علی
رسید. علی زمین را کند، تا به آب رسید و بسان گردن شتر، از
آن آب به آسمان فوران کرد. کسی آمد که به آن حضرت مژده
دهد، حضرت فرمود: وارث را مژده بده. این صدقه ای است
قطعی و مسلم برای حاجیان خانه خدا و مسافر راه آن. نه
فروختنی است، نه بخشیدنی و نه ارث بردنی.

پس هر که بفروشد، یا ببخشد، لعنت خدا و فرشتگان و مردم،
همه، بر او بادا. و خداوند از او نه مستحبی را پذیرد و نه



واجبی. و حضرت آن را عین ینع نامید، یعنی چشمه جوشان. تلاش امام علی (ع)، تنها برای برآوردن نیازهای شخصی و خانوادگی نبود. آن حضرت، با توجه به قناعت، زهد و ساده زیستی مثال زدنی، نیاز به آن همه تلاش در حفر چاه و کاشت نخل و... نداشت، بلکه در اندیشه ریشه کن کردن فقر و نمایاندن راه درست برای زندگی عزت مندانه در جامعه بود، که با کار روی زمین و جاری سازی چشمه ها، و وقف زمینهایی را که آباد و چشمه هایی را که جاری ساخته بود، این مهم، همانا ریشه کن کردن فقر و نمایاندن راه درست برای زندگی عزت مندانه، به حقیقت پیوست. اکنون به گوشه هایی از این تلاش گسترده امام، اشاره می کنیم:

صدقات

صدقه در روایات، به چند معنی آمده است: انفاق واجب، یا زکات و دیگری انفاق مستحبی که بین مردم مشهور است و معنی سوم، اموال وقفی که برای خدا و در راه خدا وقف و مصرف می شود. منظور ما در این جا، همین معنی است. همان گونه که اشاره شد، علی (ع) زمینهای بسیاری را آباد و آنها را وقف کرد و سهمی برای سرپرستان و متولیان آنان قرار داد:

۱. صدقات مدینه:

الف و ب. چاه قیس و شجر. از امام صادق (ع) در منابع گوناگون نقل شده که رسول خدا چهار قطعه زمین به علی (ع) داد: فقیرین، چاه قیس و شجر^{۴۷}. فقیر را به چاه هایی که به هم پیوسته اند و کم آب و دهانه قنات معنی کرده اند.^{۴۸}

از کتاب مصنف ابن ابی شیبه استفاده می شود که فقیرین (فقیرین ثبت شده) همان زمین قیس و شجر است^{۴۹}.

ابن شیبه، در هنگام برشمردن صدقات علی (ع) در مدینه، از فقیرین، واقع



در منطقه عالیّه^{۵۰}، یاد کرده و نامی از قیس و شجر، نبرده است. این نشان می دهد که فقیرین، همان قیس و شجر است. در وصیت نامه امام از فقیرین در ردیف صدقات در راه خدا یاد شده است^{۵۱}.

ج. چاه ملک: در منطقه قنات مدینه.

د. ادبیه: در اضم^{۵۲}. اضم، مهم ترین وادی بین مدینه و دریاست. اضم، خشک رود و یا وادی است که مدینه در آن واقع است. به این وادی، در نزدیک مدینه، قنات گویند^{۵۳}. ابن شَبّه می نویسد: «حسن، یا حسین، فرزند علی (ع)، همه زمینها را برای هزینه جنگ، فروخت^{۵۴}.»

اکنون در منطقه مسجد شجره، بخشی از این چشمه ها وجود دارد که به ایبار علی مشهورند.

۲. ینیع (بغیغات) چشمه هایی در منطقه ینیع:

الف. خیف اراک.

ب. خیف لیلی.

ج. خیف بسطاس

بغیغه، چاهی است که نیاز به ریسمان زیاد ندارد. اینها را امام وقف کرد. تا این که وقتی سرپرستی آنها به امام حسین (ع) رسید، حضرت ایشان، آنها را در اختیار عبدالله بن جعفر قرار داد، تا از میوه های آنها استفاده کند، از درآمد آنها قرضهای خود را بردارد و کمکی باشد به هزینه زندگی اش و جلوگیری کند از این که دخترش را به ازدواج یزید بن معاویه در بیاورد.

نوشته اند که اینها را عبدالله بن جعفر به معاویه فروخت و در دست خاندان وی بود، تا این که عباسیان به حکومت رسیدند و داراییهای حاکمان، در اختیار



آنان قرار گرفت. عبدالله بن حسن بن حسن، در این باره با ابوالعبّاس سفّاح گفت و گو کرد. نتیجه این گفت و گو این شد که وی آنها را به حالت اولیه، که همانا صدقه باشد، برگرداند.^{۵۵}

۳. پایین ینبع: علی (ع) چشمه‌های فراوانی در پایین منطقه ینبع، پدید آورد^{۵۶} که عبارت اند از:

الف. عین ابی مسلم.

ب. عین ابی نیر.

ج. عین بحور، یا بُحیر.

۴. دیگر مناطق ینبع. چشمه‌های دیگری نیز در منطقه ینبع برای امام یاد کرده‌اند:

الف. عین الحدیث.

ب. عصبیه^{۵۷}.

این دو چشمه را از صدقات حضرت در ینبع آورده‌اند. موسی بن عبدالله اصغر، افزون بر آن چه ذکر شد و اراک و خیف لیلی، سه منطقه دیگر نیز در ردیف چشمه‌هایی که حضرت در این منطقه، با دست کنده، جاری ساخته و وقف کرده، آورده است:

ج. کشش.

د. روضه.

ه. معلات. مراد، معلات الصفرا، در وادی یلیل است.^{۵۸}

اینها بخش مهمی از داراییهای امام علی (ع) به شمار می‌رفته که با کار، احیاء و به چرخه تولید بازگردانده است. در وصیت نامه امام، به بسیاری از اینها اشاره شده که البته پاره‌ای از آنها، به نامهای دیگری شناخته شده‌اند. امیرالمؤمنین علی (ع)، همان‌گونه که در عرصه‌های بسیار، اسوه تمام



است، در عرصه کار و تلاش، می بایست برای همه شیفتگان و علاقه مندان و پیروان، اسوه باشد و روش، راه و سبک زندگی علوی، در سبک زندگی آنان، در امور معیشتی و مالی، چراغ راه.

حضرت، با کار، نه تنها خود را از فقر و گرسنگی رها کند، که چنان بر دامنه دارایی خود افزود که با انفاق، صدقه و زکات به زندگی دیگران نیز سامان بخشید و در صف مقدم زکات دهندگان قرار گرفت. ۵۹

«لقد رأيتني اربط الحجر على بطني من الجوع في عهد رسول الله (ص)، و

ان صدقتي اليوم لأربعون الف دينار.»

روزی مرا می دیدی که همراه رسول خدا (ص) بودم، از گرسنگی،

سنگ به شکمم می بستم و اکنون مرا در حالی می بینی که زکات

دارایی ام به چهار هزار دینار می رسد.

و نیز فرمود:

«وان صدقة مالي لتبلغ أربعين الف دينار ۶۰.»

زکات دارایی ام، به چهل هزار دینار می رسد.

به طور معمول، هر دینار، ده درهم ارزش داشته است، گویا منظور

حضرت، همه دارایی و درآمد بوده است؛ یعنی مالی که متعلق زکات است، به

چهل هزار دینار می رسد.

بلاذری می نویسد:

«كانت غلّه على أربعين الف دينار، فجعلنا صدقة، وانه باع سيفه

و قال: لو كان عندي عشاء ما بعته. ۶۱»

غلّه درآمد علی به چهل هزار دینار می رسید و علی آن را صدقه

قرار داد و شمشیر خود را فروخت و گفت: اگر نزد من غذای

شب بود، آن را نمی فروختم.



آن چه از سبک زندگی امام علی در باب چگونگی امرار معاش ذکر شد، برای همگان، بویژه پیروان راستین آن امام همام، بسیار درس آموز، گره گشا و عزت آفرین خواهد بود. اگر به درستی امام را اسوه و چراغ راه خود قرار دهند، نه تنها خود که جامعه شیعی و فراتر از آن، جامعه اسلامی، دچار فقر و فاقه نخواهد شد.

این سان امرار معاش و برآوردن هزینه های زندگی، در کارنامه دیگر امامان نیز، جلوه گر است که البته تاریخ نگاران و سیره نویسان، آن گونه که بایسته است به آن نپرداخته و توجه نکرده اند و این مقوله مهم را در کانون توجه قرار نداده اند که امامان (ع) چسان و از چه راهی امرار معاش می کرده و هزینه های زندگی خود و کمک به دیگران و دستگیری از نیازمندان را برآورده می ساخته اند.

از بخششهای آنان فراوان سخن به میان آمده و از گامهای بلندی که در رفع گرفتاریها و گره گشاییهایی که از مشکلات دیگران داشته اند و هزینه کرد اموالی در راه اعتلای کلمه حق؛ اما این که اموال را از چه راهی به دست می آورده و هزینه می کرده اند، کم تر سخن به میان آمده و مورد بررسی و دقت قرار گرفته است. در حالی این مقوله، یعنی چگونگی کسب درآمد و تلاش آنان در راه تولید ثروت، با کار روی زمین و احیای چشمه و دامداری، در هر دوره ای برای شیعیان، علاقه مندان به آن بزرگواران، می تواند درس آموز و راه گشا باشد و آنان را در سیر درست کسب درآمد، قرار بدهد و از سربار جامعه بودن و پی گیری راه های زود بازده؛ اما زیان بار و غیر مولد، دور سازد. سبک زندگی اسلامی، بدون کسب درآمد از راه درست و هزینه خردمندانه آن، پانمی گیرد، جلوه گر نمی شود و در زوایای جامعه نفوذ نمی کند و چتر نمی گستراند. از این روی، دقت و درنگ روی این مقوله، برای جامعه اسلامی - شیعی، با الهام و الگوگیری از زندگی اولیای خدا، امامان معصوم، که ترجمان و نمایان گر زندگی و حیانی رسول خداست، بسیار راه گشاست. اکنون که با زوایایی از



سیره رسول خدا (ص) و علی (ع) در کسب درآمد و هزینه آن آشنا شدیم، این زاویه از سبک زندگی دیگر معصومان را در کانون توجه قرار می‌دهیم:

امام حسن مجتبی (ع):

امام حسن مجتبی (ع) برای امرار معاش و برآوردن هزینه‌های زندگی، گام در راهی گذارد که امام علی (ع) گذارده بود.

در دوران برکنار بودن امام از دایره کشورداری و کار روی زمین و بهره‌برداری از مزرعه‌هایی که آباد کرده بود، امام حسن، در جایگاه فرزند ارشد امام، در کنار پدر بود و به کار کشت و برداشت مشغول و گاه در مأموریت‌های بزرگی از سوی خلفا، شرکت می‌جست و در دوران خلافت امام، از شخصیت‌های اثرگذار و نقش‌آفرین در حکومت بود، چه در عرصه‌های نبرد و چه در عرصه‌های سیاسی و کشورداری.

پس از به شهادت رسیدن امام، مدتی زمام امور کشور را در دست گرفت، تا این که سرانجام، به ناچار از حکومت کناره‌گیری و زمام آن را رها کرد. پس از کناره‌گیری از حکومت و صلح با معاویه، عمر آن بزرگوار، ده سال پایید. در این ده سال در مدینه به سر برد و از جمله کارهایی که به انجام آنها پرداخت، رونق بخشی به حاصل سالها رنج و زحمت پدر و مولای خود علی بن ابی طالب بود.

حضرت، تلاش ورزید آن چه از زمینهای آباد و چشمه‌های جاری از پدر به جای مانده، به میراث گذارده شده و یا وقف گردیده، به بهترین وجه، نگهداری کند و بر دامنه حاصل خیزی و درآمد زایی آنها بیفزاید و از این راه، هم نیازهای مادی زندگی خود، فرزندان و خاندان علی بن ابی طالب را برآورده سازد و هم نیاز نیازمندان و هم هزینه‌های لازم برای اعتلای کلمه حق.

امام، با سرپرستی دقیق موقوفات و صدقات و میراث علی بن ابی طالب،



زندگی آبرومندانه‌ای برای خود و فرزندان امام علی (ع) فراهم ساخت . امام مجتبی (ع) با رونق بخشیدن به این املاک و اراضی و چشمه‌ها که نام یکایک آنها در وصیت نامه امام و تاریخ ، به روشنی ذکر شده است و املاک مادری که به ارث به ایشان رسیده بود و در اختیارش بود ، به تولید ثروت پرداخت و نگذاشت اهل بیت و وابستگان ، در گردونه دشمنیهایی که با ایشان می‌شد ، در تنگنای مالی بیفتند .

سخاوت مندیها و بخششهای حضرت ایشان ، بسیار و زبانزد عام و خاص بود . هر کس ، نامی از آن حضرت می‌برد ، بعد از زهد و عبادت ، از سخاوت آن حضرت سخن به میان می‌آورد و اطعام مردم و فقیران .

این رفتار و فضیلت بزرگ ، بیان‌گر درآمدهای شخصی بوده که حضرت داشته است . یعنی حضرت ، افزون بر موقوفاتی که سرپرستی و تولیت آنها را بر عهده داشته و باید در راه مورد نظر واقفان : حضرت علی و حضرت زهرا هزینه می‌شد ، خود حضرت نیز درآمدهای شخصی داشته و برای رفع نیاز نیازمندان ، هزینه می‌کرده و یا بخششهای گسترده‌ای که انجام می‌داده که این سان در کارنامه و سیره عملی اش جلوه گر شده و خاص و عام از آن سخن به میان آورده‌اند ، اگر از اموال شخصی اش نبود ، بی‌گمان این گونه زبانزد نمی‌شد و جلوه گر نمی‌گردید .

در این جا مناسب است که به وصیت نامه امام علی و فاطمه زهرا ، درباره چگونگی عمل با دارایی شان پس از مرگ ، اشاره کنیم ، تا یکی از سرچشمه‌های مهم درآمد امام روشن شود :

«الامام فی وصیة بما یعمل فی امواله ، کتبها بعد منصرفه من صفین - : هذا ما امر به عبدالله علی بن ابی طالب امیر المؤمنین فی ماله ابتغاء وجه الله لیولجہ به الجنة و یعطیه به الامنة .



فَأَنَّهُ يَقُومُ بِذَلِكَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ يَأْكُلُ مِنْهُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْفِقُ مِنْهُ بِالْمَعْرُوفِ .
فَأَنَّ حَدِيثَ بِحَسَنِ حَدِيثٌ وَحُسَيْنٍ حَتَّى قَامَ بِالْأَمْرِ بَعْدَهُ وَاصْدَرَهُ مَصْدَرَهُ .
وَإِنَّ لِإِبْنَتِي فَاطِمَةَ مِنْ صَدَقَةِ عَلِيٍِّّ مِثْلُ الَّذِي لِبْنِي عَلِيٍّ وَآتَى أُمَّتًا جَعَلْتُ الْقِيَامَ
بِذَلِكَ إِلَى ابْنَتِي فَاطِمَةَ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَقُرْبَةِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ وَتَكْرِيمًا لِحَرَمَتِهِ
وَتَشْرِيفًا لَوْصَلَّتِهِ .

وَيَشْتَرِطُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يَتْرُكَ الْمَالَ عَلَى أَصُولِهِ وَيَنْفِقَ مِنْ ثَمَرِهِ
حَيْثُ أَمَرَ بِهِ وَهُدًى لَهُ ، وَأَنْ لَا يَبِيعَ مِنْ أَوْلَادِ نَخِيلِ هَذِهِ الْقُرَى وَدِيَّةً حَتَّى
تُشْكَلَ أَرْضُهَا غَرَّاسًا .

وَمَنْ كَانَ مِنْ إِمَائِي اللَّاتِي أَطُوفَ عَلَيْهِنَّ لَهَا وَلَدٌ ، أَوْ هِيَ حَامِلٌ فَتَمْسُكُ
عَلَى وَلَدِهَا وَهِيَ مِنْ حَظِّهَا ، فَإِنَّ مَاتَ وَلَدُهَا وَهِيَ حَيَّةٌ وَهِيَ عَتِيقَةٌ قَدْ أُفْرِجَ
عَنْهَا الرِّقُّ وَحَرَّرَهَا الْعَتِيقُ . ٦٢»

از وصیت آن حضرت است که با مال او، چه کنند. آن را پس از
بازگشت از صفین نوشت: این چیزی است که بنده خدا، علی
پسر ابوطالب، دستور می دهد، درباره مال خود، و بدان
خشنودی خدا را می خواهد، تا وی را به بهشت درآورد و
آسوده اش دارد.

از آن وصیت است:

حسن بن علی نگهداری مال مرا عهده دار شود. خود از آن
مصرف کند و به دیگری ببخشد، بدان سان که شناخته است.
- و شرع آن را روا ساخته است - اگر برای حسن حادثه ای پدید
آید و حسین زنده باشد، او پرداختن بدین کار را شاید، وصیت را
انجام دهد، چنانکه باید.

دو پسر فاطمه - حسن و حسین - را از صدقه علی همان است که



از آن دیگر پسران است. من انجام این کار را به عهده پسران فاطمه می‌گذارم، تا خشنودی خدا را به دست آورم و به فرستاده او نزدیکی جویم و پاس حرمت او و خویشاوندی او را بدارم. و با کسی که این کار را بدو واگذار کرده، شرط می‌کند که اصل مال را به حال خود نهد و از میوه آن انفاق کند، چنانکه بدو فرمان دادند و راه را نشان داده؛ و این که نهالهای تازه خرما بُنان این ده‌ها را نفروشد، تا بسیار شود و یافتن راه در خرماستان - و شناختن آن - دشوار.

و هر یک از کنیزانم را که با او بوده‌ام، اگر فرزندی بُود یا باردار باشد، کنیز را به فرزند دهند، و بهره او حساب کنند. اگر فرزندش بمیرد و کنیز زنده باشد، آزاد است. کنیز بودن از او برداشته و او آزادی خویش را داشته.

ابن ابی الحدید، در شرح این وصیت نامه، نکته‌های در خور توجهی را یادآور می‌شود، از جمله می‌نویسد:

«این که حضرت در وصیت نامه می‌نویسد: «وان لابی فاطمه من صدقة علی مثل الذی لبنی علی» از آن جهت است که ممکن است کسی گمان کند آن دو چون سرپرست و ناظر مصرف آن صدقات هستند، از این که سهمی چون دیگر فرزندان داشته باشند، محروم هستند و باید منافع آن بین دیگر فرزندان که سرپرستی صدقات را بر عهده ندارند، تقسیم شود. ۶۳»

اما وصیت نامه فاطمه زهرا(س):

ابوبصیر می‌گوید: امام باقر(ع) به من فرمود:

«ألا أقرئک وصیة فاطمه(ع)



قال: قلت: بلی.

قال فأخرج حَقًّا أو سَفْطًا فأخرج منه كتاباً، فقرأه:

بسم الله الرحمن الرحيم. هذا ما أوصت به فاطمه بنت محمد رسول الله (ص) أوصت بحوائطها السبعة: العراف، والدلال، والبرقه والميثب والحسنى والصافيه و مال أم ابراهيم الى على بن ابى طالب فان مضى على فالى الحسن فان مضى الحسن، فالى الحسين، فان مضى الحسين فالى الاكبر من ولدى. شهد الله على ذلك: المقداد بن الاسود والزبير العوام و كتب على بن ابى طالب^{٦٤}.

ابوبصير مى گوید: امام باقر(ع) فرمود: مى خواهی وصیت نامه فاطمه زهرا(س) را بر تو بخوانم؟
من گفتم: بلی.

ابوبصير مى گوید: ابو جعفر(ع) جعبه کوچکی، یا سبد کوچکی آورد و نوشته ای از آن بیرون آورد و خواند: به نام خداوند بخشنده مهربان. این وصیت نامه فاطمه، دختر محمد رسول خداست. وصیت کرد: تمام هفت نخلستان: عراف، و دلال، و برقه، و ميثب، حسنى، و صافيه و باغچه مادر ابراهيم، ماریه قبطيه، بر عهده علی ابن ابی طالب قرار بگیرد [سرپرستی، بهره برداری از آنها و اجرای وصیت] و اگر علی از دنیا برود، بر عهده حسن و اگر حسن از دنیا برود بر عهده حسین و اگر حسین از دنیا برود بر عهده بزرگترین از فرزندانم خواهد بود که سرپرست اجرای وصیت باشد. شاهد این وصیت خداست و مقداد بن اسود کندی و زبیر بن عوام و کاتب سند، علی بن ابیطالب.

این داریها، نخلستانهای آباد و پرثمر، چشمه های جاری و جوشان، که



در اختیار امام بود و از آن بهره می برد و به دیگران، بهره می رساند، غیر از داراییها و ثروتی بود که به طور طبیعی، امام در طول زندگی به دست آورده بود و یا از شرکت در جنگها، چه در روزگار خلفا و چه در دوران امام علی (ع)، بسان دیگر شرکت کنندگان و فرماندهان سپاه اسلام، سهم می برد و مواجبی داشت. در تاریخ آمده است، به سال ۲۶ هجری، در دوران خلافت عثمان، که آفریقا به دست سپاه اسلام فتح شد، یکی از فرماندهان، امام حسن مجتبی بوده است^{۶۵}. و نیز در فتح مازندران، به سال ۳۰ هجری، از فرماندهان سپاه اسلام بوده است^{۶۶}.

دقت و درنگ روی زندگی امام و چگونگی برآورده ساختن نیازهای مادی خود و خانواده و بهره رسانی به دیگران، نکته های روشن و درس آموزی را فراروی انسان مسلمان می گذارد و به روشنی می نمایاند که کار و تلاش، برای کسب روزی حلال و هزینه کرد آن بر اساس آموزه های و حیانی، سبک زندگی را دگرگون می سازد و زندگی سالم، در پرتو اقتصاد سالم را رقم می زند.

امام حسین (ع):

آن چه از چگونگی امرار معاش حضرت مجتبی بیان کردیم، در زندگی امام حسین نیز جلوه گر است. سفره گسترده ای که علی بن ابی طالب، با کار و تلاش، گستراند و آبادانیهایی که رقم زد، برای فرزندان آن حضرت، زاد برزاد، مایه آرامش بود و زمینه ساز کار و تلاش و آبادانی و آبادگری.

امام حسین وقتی قدرت جسمی یافت و توان کار، نخلستانهای آباد و چشمه های جاری پدر و باغها و نخلستانهای جد بزرگوارش، رسول خدا (ص) را فراروی دید و زمینه های بس مناسب برای کار و درآمدزایی و تولید ثروت. او که فکر و ذهن اش، با آموزه های و حیانی درباره کار و ارزش آن، درآمخته و عجین بود، کار و تلاش پدر را برای کسب روزی حلال می دید، دامن همت



بر کمر زد و کار را سرلوحه زندگی سالم خویش قرار داد که ثمره پربرکت آن، به روشنی در زندگی آن حضرت و در بخششها و برآوردن هزینه‌های رویارویی با حکومت ستم‌پیشه و جنایت‌کار اموی، بویژه یزید بن معاویه، دیده می‌شود.

امام سجاد(ع):

پس از فاجعه دردناک و غم‌انگیز کربلا و آسیب جبران‌ناپذیری که بر اهل بیت رسول الله وارد شد و ستون و استوانه آن فرو ریخت و برپادارندگان آن در یک روز، در خون خود غلطیدند، برای شخصی که خاندان به جای مانده بود، راه بس دشواری فراروی بود.

آن بزرگوار، افزون بر رهبری معنوی، برآوردن نیازهای مادی خود و خانواده‌هایی که سرپرستان خود را در شبیخون یزیدیان به حریم اهل بیت، از دست داده بودند، از وابستگان و غیروابستگان، بر عهده داشت.

او می‌بایست، افزون بر کار و تلاش برای خانواده و سر و سامان دادن به زندگی شخصی، در آن روزگار سخت‌پس از آن رویداد سهمگین، با سرپرستی و نظارت و پی‌گیری دقیق موقوفات علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا، نمی‌گذاشت اهل بیت به تنگنا بیفتند و فقر و فاقه، گریبان‌شان را بگیرد و راه نفوذ دشمن و از هم گسستگی را در خاندان نبوی پدید آورد.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

«جدم علی بن الحسین، هر بامدادان به دنبال کسب و کار از خانه

بیرون می‌آمد. روزی شخصی به حضرت می‌گوید: ای پسر

رسول خدا کجا می‌روی؟

جدم در پاسخ می‌فرماید: اَتَصَدَّقُ لِعِیَالِی. می‌روم تا برای

خانواده‌ام، صدقه تهیه کن!

آن شخص می‌پرسد: آیا صدقه طلب کنی؟



جدم در پاسخ می فرماید :

«من طلب الحلال فهو من الله صدقة عليه .»

هر کس که [بار و کاسبی] کسب مال حلال کند، آن مال از جانب خدا، صدقه برای اوست. ۶۷»

امام باقر(ع) :

کار روی زمین و بهره گیری از دامن آن برای اداره زندگی، سنت حسنه ای بوده که امامان، به آن پای بندی ویژه ای داشته اند. در زندگی تک تک امامان، این ویژگی برجسته دیده می شود که آنان، با همه راه هایی که برای امرار معاش، فراروی شان گشوده بوده، دست از کار روی زمین نمی کشیده اند و همه تلاش شان بر این بوده زمینی را آباد کنند، نخلستانی را به بار بنشانند و به ثمردهی برسانند.

امام باقر(ع) افزون بر سرپرستی موقوفات علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا، و مراقبتهای ویژه از آنها، خود نیز کشاورزی می کرد و کار را بر راحتی برتری می داد. علی بن منکدر می گوید :

«در نیمروزی گرم، از مدینه بیرون و به سوی ناحیه ای رهسپار شدم.

ابوجعفر محمد بن علی را دیدم که در مزرعه اش کار می کرد. با خود گفتم: سبحان الله! پیری از پیران قریش، در این گرما، در طلب دنیا تلاش می کند.

باید او را موعظه کنم. نزدیک شدم و سلام گفتم. ابوجعفر، نفس زنان، سلام مرا پاسخ داد.

گفتم: خداوند امور تو را اصلاح کند. پیری از پیران قریش، در این گرما، با این حال، برای دنیا تلاش کند. شایسته نیست. اگر



در این حال، اجل سرآید و پیک مرگ درآید، چه خواهی کرد؟

ابوجعفر فرمود:

«لو جاءني الموت وانا على هذه الحال، جاءني وانا في [طاعة من] طاعة

الله عزّ وجلّ. أكفّ بها نفسي و عيالي عنك و عن الناس و انما كنت

اخاف لو جاءني الموت وانا على معصية من معاصي الله.»

اگر پیک مرگ با این حالت درآید، مرا در طاعت و بندگی خدا

خواهد دید؛ چرا که من با این تلاش و کوشش، خودم و

خانواده‌ام را از دراز کردن دست نیاز، به سوی تو و دیگر مردم،

بازمی‌دارد.

علی بن منکدر می‌گوید: به امام عرض کردم:

«صدقت یرحمک الله. اردت أن أعظک و وعظنتی»^{۶۸}

خداوند تو را رحمت کناد. خواستم تو را اندرز دهم؛ اما تو مرا

اندرز دادی.

در منابع تاریخی و روایی آمده است که امام باغهایی داشته و در آنها به

کشاورزی می‌پرداخته است.^{۶۹}

امام، از درآمدی که داشت بر گستره و دامنهٔ املاک خود می‌افزود، تا برای

خود و فرزندان‌اش، راه درآمدی باشد و زمینه‌ای برای کار. از جمله زمینی از

هشام بن عبدالملک، به هزار دینار و ملکی از سلیمان بن عبدالملک^{۷۰} و زمینی

در منطقهٔ عریض، واقع در وادیهای شرقی مدینه خرید^{۷۱}.

امام، با کوشش، که زبانزد همروزگاران آن حضرت بود و خاص و عام از

آن سخن گفته‌اند، اقتصاد سالمی را برای خود و خانواده‌اش و استفاده

نیازمندان، پی‌ریزی کرد.



امام صادق(ع):

امام در کنار پدر بزرگوارش و همراهی و همگامی با آن حضرت، کار آزموده شد و راه‌های کسب درآمد سالم را آموخت. آن حضرت، چه در دوران حیات پدر و چه پس از حیات ایشان، از راه کشاورزی، بخش مهمی از نیازهای زندگی خود را برآورده می‌ساخت و از دیگران دستگیری می‌کرد.

امام، افزون بر اداره زمینهای مزروعی و نخلستانهایی که از پدر به جای مانده بود و کسب درآمد از آنها و موقوفات علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا، کار در مزرعه عریض^{۷۲} در نزدیکی شهر مدینه، در منطقه «عین زیاد» نخلستان بزرگی داشت که به گفته آن حضرت، درآمد سالانه آن، چهار هزار دینار بوده که بیش تر برای رفع نیاز نیازمندان، هزینه می‌شده است.

نمونه‌ها و شواهد بسیاری از سیره معیشتی حضرت در دست است که بیان‌گر کار و تلاش آن حضرت روی زمین و در نخلستانها، برای برآوردن نیازهای زندگی و بهره‌گیری از دسترنج خود است:

۱. در خبری آمده است که مصادف، غلام امام، در هنگام چیدن خرما از نخلستان امام، به سائل کمک نمی‌کند و می‌گوید: خدا به تو بدهد.

امام، او را از این کار بازمی‌دارد و می‌فرماید: دست کم، به سه نفر از سائلان و فقیران، بایستی کمک شود^{۷۳}.

۲. اما در هنگام برداشت گندم از مزرعه خود، به غلامان خویش سفارشهایی می‌فرماید^{۷۴}.

۳. امام، برای کار در مزرعه، افزون بر غلامانی که داشت، کارگرانی را هم به کار می‌گرفت. خیلی مقید بود که مزد کارگران را پس از به پایان رسیدن کار، پرداخت کند. از این روی، به غلام‌اش، معتب، تأکید می‌فرمود که پیش از خشک شدن عرق این کارگرها، مزدشان بایستی پرداخت شود.^{۷۵}



۴. امام، طلب روزی حلال را باعث خشنودی خدا می دانست و می فرمود: با این که کسانی را دارم که به جای من کار کنند، اما در مزرعه ام چنان کار می کنم که عرق بریزم^{۷۶}.

۵. اسماعیل بن جابر شاگرد امام صادق، می گوید: امام صادق را دیدم که در مزرعه اش در حال باز کردن راه آب، با بیل بود و لباسی کرباسی و خشن پوشیده بود^{۷۷}.

امام کاظم (ع):

امام، در دورانی زندگی می کرد و می بایست رسالت الهی خود را جامه عمل بپوشاند که علویان و در رأس آنان شخص ایشان، از سوی دستگاه حاکم، در تنگنا و زیر فشار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بودند. امام برای این که تنگنای مالی، علویان را از تلاش و حرکت های انقلابی باز ندارد و زمین گیر نسازد، هشیارانه سازمان وکالت مالی را پی ریزی کرد. با این سازماندهی، خمس، زکات، نذورات و صدقات، درآمد موقوفات و هدایا، از سرتاسر بلاد اسلامی، به سوی امام سرازیر شد. این سازماندهی وکالت مالی، در آن دوره و برهه، چنان نقش آفرین بود که به هارون الرشید گزارشهای بسیار رسیده بود مبنی بر این که اموالی از شرق و غرب سرزمینهای اسلامی، به سوی موسی بن جعفر (ع)، سرازیر می شود و وی آنها را در خزانه هایی نگهداری می کند، از این روی، هارون، آن حضرت را احضار و خطاب به ایشان گفته بود:

«به ما گزارش شده که از مردم، خراج دریافت می کنی.»

امام در پاسخ فرمود:

«الذی بعث محمداً بالنبوه ما حُمِلَ الیّ درهماً و لادیناراً من طریق الخراج .
لکنّا معاشر ابی طالب، نقبل الهدیه التي احلها الله، عزّ وجلّ، لنبیه فی
قوله؛ لو اهدی لی کراع لَقَبَلْتُ و لو دُعیتُ الی ذراع لأجبتُ و قد علم



امیرالمؤمنین، ضیق ما نحن فيه و كثرة عدونا و ما منعنا السلف من الخمس الذي نطق لنا به الكتاب فضاق بنا الامر و حرمت علينا الصدقة و عوضنا الله، عز و جل عنها الخمس فاضطررنا الى قبول الهدية^{۷۸}. «

به خدایی که محمد(ص) را به پیامبری برانگیزاند، به سوی من درهم و دیناری از راه خراج، فرستاده نشده است. لکن، ما خاندان ابی طالب، هدیه را می پذیریم، همان که خداوند بر نبی گرامی اش حلال فرمود، خود آن حضرت فرموده است: اگر برایم پاچه گوسفندی بیاورند، می پذیرم و اگر دعوتم کنند به خوردن دست گوسفندی، اجابت می کنم.

خلیفه می داند، تنگنایی که ما در آن قرار گرفته ایم و فراوانی دشمنان ما را. پیشینیان خمس را از ما باز نمی داشتند، همان که کتاب خدا بدان گویاست که ویژه ماست.

امر بر ما تنگ شده، صدقه هم بر ما حرام گردیده و به جای آن، خداوند برای ما خمس قرار داده که آن هم از ما بازداشته می شود و اکنون، ناگزیریم، هدیه را بپذیریم.

امام، برای اداره زندگی شخصی، یا همه سخت گیرها و عائله مندی، دغدغه خاصی نداشت که بر بنای قویم و استواری تکیه داشت: موقوفات امام صادق، امام علی و فاطمه زهرا. و خود در امور کشاورزی ید طولایی داشت و تلاش گسترده در کاشت و برداشت.

گزارشها و خبرهای گوناگونی از کار امام روی زمین و کاشت و برداشت، مزرعه داری و باغداری و امرار معاش از این راه، وجود دارد، که پاره ای از آنها را در این جا یادآور می شویم:

۱. حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش نقل می کند:



«رأيت ابا الحسن (ع) يعمل في ارض له قد استتعت قد ماه في العرق. فقلت له: جعلت فداك، أين الرجال؟ فقال: يا علي! قد عمل باليد من هو خير مني في ارضه و من أبي. فقلت له: و من هو؟»

فقال: رسول الله (ص) و امير المؤمنين و آبائي (ع) كلهم كانوا قد عملوا بأيديهم و هو من عمل النبيين و المرسلين و الأوصياء و الصالحين^{۷۹}. «
 علي بن حمزه می گوید: امام کاظم (ع) را دیدم در مزرعه اش کار می کند، در حالی که پاهایش خیس عرق بود.
 بدو گفتم: قربانت گردم، کجایند کارگران؟
 فرمود: یا علی! کسانی به دست خود بر روی زمین کار می کردند که از من بهتر بودند و نیز از پدرم.
 گفتم: چه کسی؟»

فرمود: رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین و پدرانم، همگی، با دستان خود کار می کردند و کار کشاورزی، از کارهایی بوده که انبیاء، رسولان الهی و اوصیاء و صالحان بدان می پرداخته اند.

۲. محمد بن عبدالله بکری می گوید: برای گرفتن قرض از امام موسی بن جعفر (ع) به قریه نَقْمی، در اطراف مدینه، که مزرعه حضرت در آن جا بود، رفتم. با حضرت در مزرعه دیدار و خواسته ام را با ایشان در میان گذاردم^{۸۰}.

۳. امام مزرعه ای داشته به نام «یسیریه» که علی بن اسماعیل در هنگام سعایت از امام، مدعی می شود: موسی بن جعفر، این مزرعه را به سی هزار دینار خریده است^{۸۱}.

۴. بخشی از هبه ها و بخششهای امام، زمینهای کشاورزی بوده است. امام، به افراد، به گونه ای کمک می کرد که بتوانند روی پای خود بایستند و



آبرومندان، زندگی خود را بگذرانند؛ از این روی به غلامان خود در هنگام آزادی، قطعه زمینی آباد می‌بخشید، تا آنان پس از آزادی، به آسانی بتوانند هزینه‌های زندگی خود را برآورده سازند و تولید ثروت کنند^{۸۲}. روی همین اصل، به فرزندش احمد، قطعه زمینی برای کشت و برداشت، اهدا کرد.

۵. مصعب، در ضمن روایتی، یادآور می‌شود که امام را دیده است که در نخلستان خودشان، در کار چیدن خرما بوده است^{۸۳}.

۶. در روایتی آمده است: حضرت کفن خود را برای بانوی مؤمنه‌ای اهل نیشابور، به نام شطیطه فرستاد، و به وی پیام داد:

«این کفن را از پنبه‌های مزرعه خودم تهیه کرده‌ام^{۸۴}.»

این نمونه‌ها و ده‌ها نمونه دیگر، بیان‌گر رفتار اقتصادی سالم و ترازمند امام موسی بن جعفر است که از راه کشاورزی و نخلستان داری، به تولید ثروت می‌پردازد و هزینه‌های زندگی خود، پیرامونیان و نیازمندان را برآورده می‌سازد. و با این برنامه‌ریزی دقیق معیشتی، جلوه‌ای از سبک زندگی اسلامی سالم تکیه بر کار و تلاش و کشت و برداشت را می‌نمایاند.

امام رضا(ع):

نگاهی دقیق به زوایای زندگی امام موسی بن جعفر و چگونگی برآوردن نیازهای مادی زندگی و امرار معاش، که شمه‌ای از آن فرادید نهاده شد، می‌توان به روشنی راهی را که امام رضا(ع) برای برآوردن نیازهای مادی زندگی پیش گرفته، دریافت.

تلاش رسول خدا و امامان، بویژه پدر بزرگوارش در راه ساماندهی اقتصاد سالم، تولید ثروت و برآوردن نیازهای مادی با کدیمین و عرق جبین، چراغ و نقشه راه امام رضا بود برای پی‌ریزی زندگی سالم در پرتو اقتصاد سالم. امام موسی کاظم(ع) برابر وصیت نامه‌ای که از ایشان به جای مانده،



زمینهای مزروعی و نخلستانهای آباد و ثمرده را وقف فرزندان کرد^{۸۵} که امام رضا، پس از شهادت پدر بزرگوارش، از آنها بهره‌مند بود. یاقوت حموی نیز از منطقه‌ای به نام خاخ (بین مکه و مدینه) نام برده که امام رضا(ع) در آن جا مزرعه‌ای داشته است^{۸۶}.

امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری(ع):

روشن شد که امامان(ع)، یکی پس از دیگری، اداره مادی زندگی خود را بر اسلوب دقیق و صحیح و برابر معیارهای وحیانی استوار ساخته‌اند، درباره شماری از آن گرامیان، گزارشهای کم و بیش دقیقی در باب کار و برآوردن هزینه‌های زندگی از راه کشاورزی در دسترس بود که ارائه شد و درباره شماری دیگر از آن بزرگواران، از جمله این سه امام همام، یا به سبب عمر کوتاه، یا به سبب فضای اختناق آمیز و بازداشتن آنان از برخورداری از زندگی عادی، اطلاعات کمی در اختیار است.

درباره امام جواد(ع) ابن جوزی(م: ۵۹۷ ق) به نخلستانی اشاره می‌کند که در آن، غلامانی به کار مشغول بوده‌اند^{۸۷}.

و افزون بر این، وصیت‌نامه امام نیز بیان‌گر املاک و داراییهایی است که امام از آنها برخوردار بوده است. امام سرپرستی املاک خود را در وصیت‌نامه‌ای، به عبدالله بن مساور می‌سپارد، تا زمانی که فرزندش، امام هادی(ع) به حد بلوغ برسد:

محمد بن حسین واسطی می‌گوید:

«أَنَّ سَمْعَ أَحْمَدَ بْنَ أَبِي خَالِدٍ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ يَحْكِي أَنَّ أَشْهَدَهُ

عَلَى هَذِهِ الْوَصِيَّةِ الْمَنْسُوخَةِ .

شَهِدَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي خَالِدٍ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

مَوْسَى بْنَ جَعْفَرٍ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ(ع)



أشهدُهُ أَنَّهُ أَوْصَى إِلَى عَلِيٍّ ابْنِهِ بِنَفْسِهِ وَأَخْوَاتِهِ وَجَعَلَ أَمْرَ مُوسَى إِذَا بَلَغَ إِلَيْهِ جَعَلَ عَبْدَ اللَّهِ بْنِ الْمَسَاوِرِ قَائِمًا عَلَى تَرْكْتِهِ مِنَ الضَّيَاعِ وَالْأَمْوَالِ وَالنَّفَقَاتِ وَالرَّقِيقِ وَغَيْرِ ذَلِكَ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ عَلِيٌّ بِنُ مُحَمَّدٍ، صَبِيرَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَسَاوِرِ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَيْهِ، يَقُومُ بِأَمْرِ نَفْسِهِ وَأَخْوَاتِهِ وَيُصَيِّرُ أَمْرَ مُوسَى إِلَيْهِ، يَقُومُ لِنَفْسِهِ بَعْدَهَا عَلَى شَرْطِ ابِيهِمَا فِي صَدَقَاتِهِ الَّتِي تَصَدَّقَ بِهَا. وَذَلِكَ يَوْمُ الْأَحَدِ لثَلَاثِ لَيَالٍ خَلَوْنَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةَ عَشْرِينَ وَمِائَتَيْنِ. ^{۸۸} ...»

واسطی می گوید: از احمد بن ابی خالد، خادم ابی جعفر (ع) شنیدم که آن حضرت او را بر این وصیت نامه مکتوب، گواه گرفته است.

گواهی دهد احمد بن ابی خالد، خادم ابی جعفر، بر این که: ابی جعفر محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن ابی طالب (ع) او را گواه گرفت که او به پسرش علی وصیت کرد درباره امور خودش و خواهران اش و نیز امر موسی را زمانی که به او می رسد. و عبدالله بن مساور را سرپرست املاک و مخارج و بردگان و سایر ترکه خود قرار داد، تا زمانی که علی بن محمد به سن بلوغ برسد. آن گاه عبدالله بن مساور، آنها را به او تحویل دهد، تا او به کار خود و خواهران اش قیام کند و کار موسی را به خود واگذارد، تا او هم پس از آنان: علی بن محمد و عبدالله بن مساور، به کار خود قیام کند و برابر وصیت پدر، درباره صدقاتی که می دهد، عمل کند.

این وصیت نامه به تاریخ یکشنبه، سوم ذی حجه سال ۲۲۰، نگاشته شد.

امام حسن عسکری، تمام عمر خود را به اجبار و به دستور خلیفگان



عباسی در سامراء سپری کرد و از زندگی در سرزمین آباء و اجدادی و دسترسی به املاک، باغستانها و نخلستانهایی که از پدرانش به جای مانده بود، بازداشته شد و اطلاع دقیقی از این که در سامراء، چگونه زندگی خود را اداره می کرده است، وجود ندارد، احتمال می رود از راه اجاره املاک خود در مدینه، امرار معاش می کرده است.

تجارت

تجارت از ارکان مهم اقتصاد است. از دیرباز تاکنون، بخش مهمی از اقتصاد جامعه بشری، از راه تجارت، برآورده می شده است. و اسلام، به خاطر نقش محوری داد و ستد در تولید ثروت و رفاه عمومی، به تجارت اهمیت ویژه داده و با شرایطی آن را پذیرفته و بر رونق آن تأکید ورزیده است.

«یا ایها الذین آمنوا الا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن

تراض منکم. ۸۹»

ای کسانی که گرویده اید، خواسته هاتان را میان خود، تباه مخورید، مگر سودایی باشد از سر خشنودی تان.

علی (ع) می فرماید:

«تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ، فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غَنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ

جَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ. ۹۰»

به کارهای تجاری پردازید، که بازرگانی شما را از مال دیگران بی نیاز می کند. خدای عز و جل، پیشه ور درستکار را دوست دارد.

حضرات معصومین، گرچه در این عرصه کم وارد شده اند، اما همان ورودی که برای چند تن از آنان به حقیقت پیوست و با نکته های درس آموزی که در باب تجارت بیان فرموده اند، راه روشنی را فراروی مسلمانان و علاقه مندان



به اقتصادِ سالم بر اساس آموزه‌های وَحیانی، می‌نمایاند. آن‌چه از سیرهٔ رسول خدا(ص) در سفر تجاری آن حضرت، پیش از بعثت، بازتاب یافته، بسیار درس‌آموز است و بیان‌گر تجارتِ پاک و راه درستِ داد و ستد و بده بستان.

تجارت اگر به درستی انجام بگیرد و مسلمانان، رسول خدا و ائمه هدی را اسوه قرار دهند، سرچشمهٔ بسیار زلالی است که آبادانی سرزمینهای اسلامی را در پی دارد.

سفر تجاری حضرت رسول، که به گونهٔ شراکت و مضاربه، با خدیجه بوده است^{۹۱}، آثار خوشایندی در همراهان، بویژه بر روی غلام خدیجه داشته و آنان را با تجارتِ پاک و بی غل و غش و جوانمردانه آشنا ساخته و در حقیقت، آن حضرت، در این سفر، بنای تجارتِ درست را گذارده است. همین روش و آموزه‌های آن حضرت است که سپسها در روش تجاری مسلمانان اثر می‌گذارد و در رفتار و کردار آنان، بازتاب می‌یابد.

امام باقر و امام صادق(ع) که در بین ائمه، به کار تجارت، ورود پیدا می‌کنند، این سیره و روش و آموزه‌های وَحیانی را در این باب، به روشنی جلوه‌گر می‌سازند و راه تجارتِ درست را می‌نمایانند و به مردم، در عمل رهنمود می‌دهند برای رسیدن به سبکی سالم در زندگی، تجارتِ سالم و پاک را پیشه کنند.

پس یکی از راه‌های برآوردن نیازهای مادی زندگی خود و پیرامونیان تجارت است. سود عادلانه و از روی انصافی که از این راه به دست می‌آید، حلال و از درآمدهای مشروع و سیرهٔ معصومان بر آن مهر تأیید زده است.

رسول خدا، محمد مصطفی(ص) به روایت امام صادق(ع) پس از رسیدن به مقام نبوت نیز، برای برآوردن نیازهای زندگی، داد و ستد و خرید و فروش و



در حقیقت کار بازرگانی داشته است :

«أن رسول الله (ص) اشترى عيرا أتت من الشام فاستفضل فيها ما
قضى دينه وقسم في قرابته . ۹۲»

رسول خدا، کاروانی تجاری را که از شام آمده بود، خرید و از
آن سود برد و با سود آن، بدهی خود را داد و بخشی را هم بین
خویشان و نزدیکان، تقسیم کرد.

و امام باقر(ع) برابر روایتی که از امام صادق(ع) در دست است به کار
بازرگانی ورود پیدا کرده است :

«قدم لابی(ع) متاع من مصر فصنع طعاما و دعا له التجار . فقالوا : نأخذ
منك به ده ، دوازده

فقال لهم ابي : و كم يكون ذلك .

قالوا : في عشرة آلاف ، الفين .

قال لهم ابي : اني ابيعكم هذا المتاع ، بأثنى عشر ألفا فباعهم مساومة ۹۳»

امام صادق می فرماید : برای پدرم ، از مصر کالایی به شهر وارد
شد ، میهمانی ترتیب داد و طعامی مهیا ساخت و شماری از
تاجران ایرانی را دعوت به طعام کرد . تاجران در این میهمانی ، به
پدرم گفتند : کالای شما را به ده ، دوازده خریداریم .

پدرم فرمود : یعنی به چه مقدار؟

گفتند : ده هزار ، دوهزار .

پدرم به آنان گفت : این کالا را به یازده هزار می فروشم . پس

فروخت به آنان ، بدون این که از رأس المال ، سخنی به میان

بیاورد .



امام صادق(ع) برای برآوردن نیازهای مادی زندگی، به تجارت روی می آورد و سرمایه در اختیار کسانی از یاران خود می گذارد، تا با آن به تجارت بپردازند.

محمد بن عذافر بن عیسی صرفی کوفی نقل می کند:

«قال: دفع الی ابو عبدالله(ع) سبعمائة دینار و قال: یا عذافر، اصرفها فی شیء أما علی ذاک ما بی شره و لکن احببت أن یرانی الله عزّ و جلّ متعرضاً لفوائده.»

قال عذافر فربحت فیها مائة دینار، فقلت له فی الطواف: جعلتُ فداک، قد رزق الله عزّ و جلّ فیها مائة دینار.
فقال: أثبتها فی رأس مالی. ۹۴»

عذافر می گوید: امام صادق(ع) هفتصد دینار طلا به من سپرد و گفت:

آن را به کار بینداز. این را داشته باش که من به سود آن حرصی ندارم، اما دوست دارم که خداوند بزرگ و شکوه مند، مرا مشتاق روزی ببیند.

عذافر می گوید: من با آن مبلغ، صد دینار سود بردم و بعدها ابو عبدالله را در حال طواف دیدم و گفتم: قربانت شوم. خداوند بزرگ و شکوه مند صد دینار طلا نصیب شما کرده است.
ابو عبدالله(ع) گفت: آن را جزء سرمایه ام منظور کن.

ابی جعفر فرازی می گوید:

«امام صادق غلام خود، مصادف، را فراخواند و به وی هزار دینار داد و فرمود:

تجهز حتی تخرج الی مصر فانّ عیالی قد کثروا.»



آماده شود و به سوی مصر حرکت کند که اهل و عیال من بسیار شده اند.

مصادف، آماده شد و کالایی خرید و با کاروانی به سوی مصر حرکت کرد.

هنگامی که مصادف و همراهان، نزدیک مصر می‌رسند، با کاروانی، بیرون از مصر، رو به رو می‌شوند و از آنان از وضع و حال کالایی می‌پرسند که به همراه داشته‌اند و کاروانیان می‌گویند: از این کالا در مصر، چیزی نیست.

در این هنگام، همه با هم، هم سوگند و هم پیمان می‌شوند که کالاهای خود را به سود کم‌تر از یک دینار ن فروشند.

وقتی کالاهای خود را می‌فروشند و پول خود را دریافت می‌کنند، به سوی مدینه رهسپار می‌شوند. مصادف، غلام امام، بر امام وارد می‌شود، در حالی که با او دو کیسه وجود داشته و در هر یک هزار دینار.

مصادف رو به امام می‌کند و می‌گوید: قربانت گردم. این کیسه رأس المال و اصل سرمایه شماست و کیسه دیگر، سود آن است.

امام می‌فرماید:

هذا الربح كثير ولكن ما صنعته في المتاع؟

این مقدار سود زیاد است، با کالا چه کردید؟

مصادف، گزارش می‌دهد که با کالا چه کار کرده‌اند و چگونه با هم، هم سوگند شده‌اند.

امام می‌فرماید:



«سبحان الله تحلفون على قوم مسلمين ألا تبعوهم إلا ربح الدينار ديناراً .»
پاک و منزّه است خداوند . بر ضرر گروهی از مسلمانان سوگند
می خورید که به آنان چیزی نفروشید ، جز یک دینار سود ، در
برابر یک دینار .

سپس حضرت یکی از کیسه ها را گرفت و فرمود :

«هذا رأس مالي ولا حاجة لنا في هذا الربح .»

این سرمایه من است و ما نیازی به این سود نداریم .
آن گاه فرمود :

«يا مصادفُ مجادلةِ السيوفِ أهونُ ممن طلبِ الحلالِ .»^{۹۵}

ای مصادف ، درگیری با شمشیر ، آسان تر است از طلب روزی
حلال .

حرکت بازرگانان امت اسلامی در این خط و اسوه قرار دادن امام صادق در
امر تجارت ، بسیاری از گرفتاریهای امروز جامعه اسلامی را برطرف می کند .
این که بازرگانانی هم سوگند و هم پیمان شوند که کالایی را به برادران
اسلامی خود از فلان مبلغ ، به هیچ روی ، کم تر نفروشند و مردم و خریداران
نیازمند را در تنگنا قرار دهند که ناگزیر از خرید شوند ، کاری است ناروا و امام
صادق این روش را نمی پسندد و با همه نیازی که به سود معامله داشته است ، از
پذیرفتن آن خودداری می کند .

بله ، تجارت و بازرگانی ای پسندیده است و مهر تأیید شارع را با خود
دارد ، که هیچ گاه از یاد خدا خالی نباشد و فرد تاجر و بازرگان یاد خدا را
همیشه آویزه گوش خود داشته باشد .

«رجال لاتلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة

ينخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الابصار .»^{۹۶}



مردانی که هیچ سودایی و داد و ستدی، از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات سرگرم‌شان ندارد. از روزی ترسند، که دلها و دیدگان در آن دیگرگون شوند.

بیت المال

بخشی از هزینه‌های زندگی امامان از بیت المال برآورده می‌شده است. برابر آیات قرآن، بخشی از مصرف خمس^{۹۷} و فیه، ذوی القربی هستند^{۹۸}. معصومان، رسول اکرم، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا، و فرزندان معصوم ایشان، یازده امام، مشمول این آیات اند و جزء ذوی القربی. به باور شیعه، ذوی القربی، پنج تن آل عبا، و معصومان بعدی اند.

ابن عباس، ذوی القربی را همه بنی هاشم می‌دانست.^{۹۹} بر اساس همین تفسیر، در زمان خلفا، که غنائم جنگی زیاد شد، سهم ذوی القربی قطع شد. به نقل ابن عباس، عمر بن خطاب، پیشنهاد داد سهمی برای ازدواج به هاشمیان داده شود که با آن موافقت نشد.^{۱۰۰}

اما در دوره خلیفه دوم، که دیوان تشکیل شد، سهمی از بیت المال به امیرالمؤمنین و حسنین، بسان دیگر مسلمانان داده می‌شد. البته به جهت پیوند امام حسن و امام حسین (ع) با پیامبر (ص) مقدار سهم آن دو، ویژه و پنج هزار درهم بود.^{۱۰۱}

در دوران خلیفه سوم، حاکم کوفه پول اندکی برای امیرالمؤمنین فرستاد و مدعی بود که آن چه برای ایشان فرستاده، فقط از سهم خلیفه کم تر است. حضرت در سخنی، حق اهل بیت را از بیت المال، بیش از آن دانست و اعلام کرد پرداخت درست سهم اهل بیت، به پرداخت از بیت المال، مشروعیت می‌بخشد.^{۱۰۲}

در دوران معاویه، مقداری از بیت المال، به نظر می‌رسد غیر از عطای



رسمی بوده و از آن به عنوان جوایز سلطان یاد شده، به امام حسن (ع) داده می شد و حضرت آن را در بین نیازمندان پخش می کرد. ۱۰۳

امام حسین (ع) چون خود را امام حق می دانست، دوبار دست به مصادرهٔ اموالی زد که به شام، مرکز خلافت اموی، ارسال می شد. یک بار در دوران معاویه ۱۰۴ و یک بار در زمان یزید بن معاویه ۱۰۵، زمانی که امام به همراه یاران، به سوی کوفه در حرکت بود.

در دوره های امامان بعدی، بویژه امام کاظم (ع) سازمان وکالت ایجاد شد که با شهادت امام کاظم، چند تن از وکلای آن حضرت، اموال را بازنگرداندند و مدعی شدند، حضرت از دنیا نرفته است ۱۰۶.

در این دورانها، شیعیان وظیفه داشتند وجوه شرعی خود را به امام معصوم برسانند و آنان نیز در موردهایی که صلاح می دانستند، هزینه می کردند.

هزینه کرد درآمدها

از مسائلی که اسلام به آن اهمیت ویژه داده است، هزینه کرد درست و خردمندانه درآمدهاست. در این آیین مقدس، چگونگی فراچنگ آوردن درآمد، راهها، قاعدهها و ترازها و اصولی دارد و هزینه کرد آن نیز می بایست برابر اصول و قواعدی باشد که سرپیچی از آنها، گناه و بی گمان مشکل آفرین است، هم برای خانواده و هم برای جامعه.

برابر راههایی که اسلام برای هزینه کرد درآمدها نمایانده و فراروی دین باوران گذارده، انسان مسلمانان با پیمودن آن راهها، از تباه سازی، حیف و میل، بهره گیری نامشروع و نابخردانه، اسراف و تبذیر و... آن چه را با تلاش به دست آورده و درآمدهایی که در اختیار دارد، در امان می ماند و زندگی سالم و بانشاطی برای او رقم می خورد.



۱. هزینه در راه برآوردن نیازهای زندگی: بخش اصلی درآمدهای هر فرد، در راه برآوردن نیازهای شخصی و خانوادگی هزینه می‌شود. معصومان، بر این نکته تاکید داشتند که هر شخص، باید برای برآوردن نیازهای روزمره زندگی خود و خانواده‌اش تلاش ورزد. و هیچ کس، به هیچ بهانه‌ای، حق ندارد از این وظیفه مهم، شانه خالی کند، حتی به بهانه عبادت خداوند متعال. در این مکتب، این گونه عبادت ارزشی ندارد و برخلاف قرآن و آموزه‌های وحیانی است. رهبانیت در اسلام، به هیچ روی پذیرفته نیست. رسول خدا(ص) یاران خود را از این کار باز می‌داشت، از جمله به عثمان بن مظعون، که ترک کار و عبادت را پیشه کرده بود، فرمود:

«یا عثمان لم یرسلنی الله تعالی، بالرهبانية و لكن بعثنی بالحنيفية السهلة السمحة. ۱۰۷»

یا عثمان، خداوند مرا نفرستاده است که به رهبانیت دعوت کنم، بلکه مرا برانگیخته است که دین و آیینی دعوت آن را اقامه کنم، آسان و بدون سخت‌گیری.

کار و تلاش برای برآوردن نیازهای زندگی، عبادت است:

«قال النبی: العبادة سبعة اجزاء، أفضلها طلب الحلال. ۱۰۸»

رسول خدا فرمود: عبادت، هفت جزء دارد، برترین آنها طلب روزی حلال است.

علی بن حسین(ع) صبح خیلی زود، به سوئی در حرکت بود، شخص پرسید: فرزند رسول خدا، صبح به این زودی کجا می‌روید.

امام فرمود:

«اتصدق لعیالی.»

صدقه برای اهل و عیالم گرد آورم.



راوی می پرسد: صدقه به دست بیاوری.

حضرت فرمود:

«من طلب الحلال فهو من الله عزّ وجلّ صدقة عليه. ۱۰۹»

هر کس در پی روزی حلال باشد، این از سوی خدا، صدقه بر

اوست.

هر کس، به هر بهانه‌ای کار را رها کند و در پی روزی حلال برای اهل و

عیال خود نرود، و دیگران هزینه‌های زندگی اهل و عیال او را برآورده سازند،

ملعون است و از رحمت خدا به دور.

رسول خدا(ص) فرمود:

«ملعون ملعون من القى كفه على الناس. ملعون ملعون من ضيع من

يعول. ۱۱۰»

هر کس هزینه زندگی خود را بر دوش دیگران بیندازد و کلّ بر

مردم باشد، از رحمت خدا به دور است، از رحمت خدا به دور

است. و نیز از رحمت خدا به دور است کسی که هزینه خانواده

خود را برآورده نسازد.

کسی که از زیر بار برآوردن نیازهای زندگی شانه خالی کند و برای رفاه و

راحتی اهل و عیال خود به کسب و کار نپردازد، گنه کار است:

«كفى بالمرء اثماً يضيع من يعوله ۱۱۱»

در گناه آلودگی مرد همین بس که از زیر بار برآوردن نیاز کسانی

که هزینه شان بر عهده اوست، شانه خالی کند.

۲. خویشان: برابر آموزه‌های دینی، فرد مسلمان، افزون بر برآوردن

هزینه‌های زندگی زن و فرزند، وظیفه دارد به پدر و مادر نیازمند خود کمک کند

و به ترتیب دیگر نزدیکان را در اولویت قرار دهد.



رسول خدا می فرماید:

«ابدأ بمن تعولُ الأدنی فالأدنی. ۱۱۲»

به نان خورانت آغاز کن، نزدیک تر و سپس نزدیک تر.

حضرت در سخنی دیگر، به روایت حسین بن علی، روشن می فرماید

نزدیکان چه کسانی هستند:

«ابدأ بمن تعولُ أمك و أبك و أختك و أخاك ثم ادناك فادناك و قال: لا

صدقة و ذو رحم محتاج ۱۱۳»

از نان خورانت آغاز کن: مادرت، پدرت، خواهرت و برادرت

و سپس نزدیک تر و نزدیک تر. صدقه ای نیست در صورتی که

خویشان نیازمند داری.

البته ناگفته نماند یاری رساندن به دیگران، نبایستی به نادیده انگاری

نیازهای زن و فرزند و کسانی که بر آوردن نیازهای زندگی شان بر عهده انسان

است، بینجامد، مگر همه اهل منزل و اهل و عیال، با جان و دل، به این امر

رضایت بدهند و ایثارگرانه، خود، سختیها و رنجها را برتابند، تا به دیگری

کمک رسانی شود.

رسول گرامی می فرماید:

«و أفضل الصدقة، صدقة عن ظهر غنی و ابدأ بمن تعولُ و الید العلیا خیر

من الید السفلی ۱۱۴.»

برترین صدقه، صدقه ای است که پس از بی نیازی باشد. و به نان

خورانت آغاز کن. و دست بالا داشتن به از دست پایین.

از این روی، رسول خدا به شدت نکوهش کرده کسانی را پیش از بر آوردن

نیاز نان خوران و نزدیکان خود، به بذل و بخشش و یاری رسانی به دیگران

می پردازند.



در روایت آمده است: مرد انصاری، به هنگام مرگ، پنج، یا شش بنده خود را، که تنها سرمایه اش بود، آزاد کرده بود، در حالی که فرزندان خردسالی داشته است. رسول خدا وقتی از تنگنای زندگی بچه های مرد انصاری و کاری که پیش از مرگ انجام داده، با خبر می شود، می فرماید:

«لو أعلمتمونی امره ما ترکتکم تدفونه مع المسلمین یترک صبیبه صغارا یتکفون الناس . ۱۱۵»

اگر از کار او مرا آگاه می ساختید، اجازه نمی دادم او را با مسلمانی دفن کنید. او، بچه های خردسالی را به جای گذارده که مردم عهده دار هزینه زندگانی آنان شوند.

۳. یاری رسانی به دیگران: اسلام، به یاری رسانی به نیازمندان، بسیار سفارش کرده است. برابر آموزه های وحیانی، انسان مسلمان، موحد و دین باور، در آمدی که به دست می آورد، پس از برآوردن هزینه های زندگی خانواده خود و یاری رساندن به بستگان و نزدیکان، در صورت توانایی، باید به دیگر نیازمندان یاری برساند و معصومان را اسوه راه قرار دهد. سیره ناب تک تک معصومان، در یاری رسانی به نیازمندان، بهترین چراغ راه است که انسان مؤمن و علاقه مند به راه و روش آن پاکان را به سرمنزل می رساند و جلوه هایی از زیست شایسته را در زندگی اش جلوه گر می سازد.

در این جا تنها به یک نمونه اشاره و به آن بسنده می کنیم. امام سجاد(ع) در برهه ای که بی عدالتی و ستم امویان، مردمان را در لجه فقر فرو برده بود و کسی فریاد نیازمندان را نمی شنید، در تاریکی شب از منزل خارج می شد و کیسه آذوقه را بر پشت خود حمل می کرد و به در خانه نیازمندان می برد. این کار را حضرت به گونه ای انجام می داد که هیچ یک از نیازمندان، نتوانستند بخشش گر در دل تاریکی شب را بشناسند. پس از رحلت آن



بزرگ بخشش گر، وقتی دیدند از آن کمکها خبری نیست و از آن غذاها، دیگر کسی به در خانه شان نمی آورد، تازه دریافتند آن والامرد و دست بخشنده علی بن الحسین بوده است. ۱۱۶

در نقلی، آن حضرت صد خانواده را زیر پوشش داشته و به آنها یاری می رسانده است. ۱۱۷
زهری می گوید:

«در شب سرد بارانی، علی بن الحسین را دیدم که بر پشت خود، آرد و هیزم حمل می کند.

به حضرت گفتم: ای فرزند رسول خدا، اینها چیست که حمل می کنید؟

حضرت در پاسخ فرمود: من قصد سفر دارم، برای آن سفر، توشه فراهم کرده و حمل می کنم. ۱۱۸»

۴. اصلاح بین شیعیان: از راههایی که معصومان برای هزینه کرد درآمدها، به پیروان راستین صراط حق نشان داده اند، اصلاح بین شیعیان و پایان دادن به درگیریها و نزاعهای فلج کننده و ویران گر است. این بزرگواران، با گام گذاردن در این راه، از درآمد خود، یا جوهری که از اوقاف و... که در اختیار داشته اند، تلاش می کرده اند که به درگیریها و برخوردهای غیر دوستانه و آسیب زننده به برادری و همبستگی پایان دهند.

مُفَضَّلُ می گوید: امام صادق (ع) به من فرمود:

«اِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَازَعَةً فَانْتَدِهَا مِنْ مَالِي ۱۱۹»

هر گاه میان دو تن از شیعیان ما نزاعی دیدی، از مال من فدیة بده.

یکی از این درگیریها را که مفضل با مال امام به صلح و آشتی می کشاند و



به آن پایان می دهد، بدین شرح است:

«و عن ابی حنیفه سابق الحاج قال: مرّ بنا المفضّل و أنا و ختّنی نتشاجر فی میراث. فوقف علینا ساعة ثم قال لنا: تعالوا الی المنزل فأتیناه فأصلحَ بیننا باربعمائةٍ درهم فدفعها الینا من عنده حتّی اذا الستوثق کل واحد منّا من صاحبه. قال: أما إنّها لیست من مالی و لكن ابو عبد الله (ع) أمرنی اذا تنازعَ رجلان من اصحابنا فی شیء أن أصلحَ بینهما و أفندیها من ماله فهذا من مال ابی عبد الله. ۱۲۰»

ابوحنیفه مقدم حاج گوید: من و دامادم درباره میراثی نزاع می کردیم که مفضل به ما رسید. ساعتی پیش ما ایستاد و سپس گفت: به منزل من بیایید. ما رفتیم. و او، بین ما را به چهارصد درهم اصلاح و آن مبلغ را هم خودش به ما داد.

و از هر یک از ما، نسبت به دیگری تعهد گرفت [که ادعایی نداشته باشیم] سپس گفت: بدانید که این پول، از آن من نبود، بلکه امام صادق (ع) به من دستور داده که هر گاه دیدی بین دو تن از شیعیان ما درگیری درگرفته، بین آنان صلح برقرار کنم و از مال آن حضرت فدیة بدهم و هزینه کنم. پس این پول از امام صادق (ع) است.

۵. آزادی بردگان: حضرات معصومین از جمله راه‌های مبارک و انسانی که فراروی شیعیان و پیروان راستین خود و اسلام ناب گشوده‌اند، هزینه کرد درآمدها در راه آزادی بردگان است. بردگان، کسانی بودند که در جنگها اسیر می شدند و برابر رسم و قانون جنگی آن دوران، به بازار عرضه و به فروش می رسیدند. از کارهای ماندگار، مقدس و ستودنی معصومان خرید و پس از مدتی، آزاد کردن این بردگان بود. معصومان به خرید و سپس آزادی بردگان،



بسیار اهمیت می‌دادند؛ زیرا که:

الف. اسلام، در پی ریشه‌کن‌سازی برده‌داری بود و راه‌هایی را فراروی مسلمانان و جامعه اسلامی گشوده بود که با یک شیب ملایم، به این پدیده پایان